نشانه‌های قیامت

در پرتو روایات صحیح

**تألیف:**

**دکتر حسین تاجی گله‌داری**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نشانه‌های قیامت در پرتو روایات صحیح |
| **تألیف:** | دکتر حسین تاجی گله‌داری |
| **موضوع:** | عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - معاد (حیات بعد از مرگ و قیامت) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**[**www.aqeedeh.com**](http://www.aqeedeh.com) |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc435705840)

[سخن مؤلف 1](#_Toc435705841)

[ایمان به روز قیامت 3](#_Toc435705842)

[قیامت نزدیک است 6](#_Toc435705843)

[نام‌های روز قیامت: 8](#_Toc435705844)

[الساعة: 8](#_Toc435705845)

[روز رستاخیز (یوم البعث): 8](#_Toc435705846)

[روز جزاء (یوم الدین): 8](#_Toc435705847)

[روز حسرت و پشیمانی (یوم الحسرة): 8](#_Toc435705848)

[سرای آخرت (الدار الاخرة): 9](#_Toc435705849)

[سرای جاویدان(دار القرار): 9](#_Toc435705850)

[روز ندا کردن یکدیگر (یوم التناد): 9](#_Toc435705851)

[روز جدائی، روز داوری (یوم الفصل): 9](#_Toc435705852)

[روز جمع شدن (یوم الجمع): 9](#_Toc435705853)

[روز حساب (یوم الحساب): 10](#_Toc435705854)

[روز وعید (یوم الوعید): 10](#_Toc435705855)

[روز جاویدانی و ماندنی (یوم الخلود): 10](#_Toc435705856)

[روز بیرون شدن (یوم الخروج): 10](#_Toc435705857)

[(الواقعة): 11](#_Toc435705858)

[(الحاقة): 11](#_Toc435705859)

[بلای بسیار بزرگ (الطامة الکبری): 11](#_Toc435705860)

[فریاد و صدای کر کننده (الصاخة): 11](#_Toc435705861)

[نزدیک (الآزفة): 12](#_Toc435705862)

[کوبنده (القارعة): 12](#_Toc435705863)

[وقت وقوع حادثه قیامت بجز الله کسی نمی‌داند 12](#_Toc435705864)

[نشانه‌های قیامت 15](#_Toc435705865)

[نشانه‌های قیامت به دو دسته تقسیم می‌شوند: 15](#_Toc435705866)

[نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت 17](#_Toc435705867)

[1- بعثت پیامبر اسلام**ص** 17](#_Toc435705868)

[2- وفات جان‌گداز رسول اکرم**ص**: 19](#_Toc435705869)

[3- فتح بیت المقدس: 20](#_Toc435705870)

[4- طاعون عمواس: 22](#_Toc435705871)

[5- زیاد شدن مال و دارائی و بی‌نیاز شدن از صدقه 23](#_Toc435705872)

[6- فتنه و آشوب 25](#_Toc435705873)

[1) شهادت خلیفه مسلمین حضرت عثمان بن عفان: 27](#_Toc435705874)

[2) جنگ جمل: 28](#_Toc435705875)

[3) جنگ صفین: 29](#_Toc435705876)

[4) فتنۀ خوارج: 29](#_Toc435705877)

[7- ظاهر شدن آتشی از سرزمین حجاز: 30](#_Toc435705878)

[8 ـ آمدن مدعیان نبوت: 31](#_Toc435705879)

[9- از بین رفتن امانت: 32](#_Toc435705880)

[10- از بین رفتن علم و زیاد شدن جهل و نادانی: 33](#_Toc435705881)

[11- زیاد شدن ربا خواری: 34](#_Toc435705882)

[12- شراب نوشی و روا دانستن آن: 35](#_Toc435705883)

[13- بسیار شدن زنا و فحشاء: 35](#_Toc435705884)

[14- آشکار شدن ساز و موسیقی و رقص و همچنین جایز دانستن آن: 36](#_Toc435705885)

[15- زینت دادن مساجد: 37](#_Toc435705886)

[16- رقابت با یکدیگر در ساختن ساختمان‌های بلند: 38](#_Toc435705887)

[17- کنیز مالک و آقای خود را بزاید: 38](#_Toc435705888)

[18- قتل و کشتار زیاد: 39](#_Toc435705889)

[19- پدیدار شدن شرک در این امت: 40](#_Toc435705890)

[20- نزدیک شدن زمان (کم شدن فاصله‌ها): 41](#_Toc435705891)

[21- نزدیک شدن بازارها: 43](#_Toc435705892)

[22- زیاد شدن دروغ: 43](#_Toc435705893)

[23- زیاد شدن تجارت: 44](#_Toc435705894)

[24- آزمندی و بخل زیاد: 45](#_Toc435705895)

[25- زلزله‌های بسیار: 46](#_Toc435705896)

[26- آرزو و تمنای مرگ کردن: 47](#_Toc435705897)

[27- بارندگی بسیار و رویش کم گیاهان: 48](#_Toc435705898)

[28- مسخ شدن چهره‌ها و پدیدار شدن خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پر تاب سنگ از آسمان) 49](#_Toc435705899)

[29- زنان پوشیده‌ی عریان 50](#_Toc435705900)

[30- کم شدن افراد صالح 51](#_Toc435705901)

[31- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان 52](#_Toc435705902)

[32- مرگ ناگهانی (و سکته) 52](#_Toc435705903)

[33- قطع رحم و بریدن پیوند خویشاوندی 53](#_Toc435705904)

[34- سر زمین عرب دوباره سر سبز و خرم می‌شود 54](#_Toc435705905)

[35- سخن گفتن درندگان و جمادات با انسان 54](#_Toc435705906)

[36- از نهر فرات کوه طلا نمایان می‌شود 55](#_Toc435705907)

[37- خروج قحطانی 55](#_Toc435705908)

[نشانه‌های بزرگ قیامت 57](#_Toc435705909)

[ظهور مهدی 59](#_Toc435705910)

[خروج دجال 61](#_Toc435705911)

[مکان خروج دجال: 64](#_Toc435705912)

[مدت مکث و ماندنش در زمین: 65](#_Toc435705913)

[هلاکت و قتل دجال 65](#_Toc435705914)

[نزول حضرت عیسی÷ از آسمان 66](#_Toc435705915)

[مدت اقامت حضرت عیسی÷: 68](#_Toc435705916)

[صفت و جایگاه نزول حضرت عیسی÷: 69](#_Toc435705917)

[وفات و مکان دفن حضرت عیسی÷: 70](#_Toc435705918)

[یأجوج و مأجوج 70](#_Toc435705919)

[شکل و صورت آن‌ها: 73](#_Toc435705920)

[یأجوج و ماجوج و سد ذوالقرنین: 73](#_Toc435705921)

[تعداد یأجوج و مأجوج: 74](#_Toc435705922)

[فساد و تبهکاری یأجوج و مأجوج 75](#_Toc435705923)

[هلاکت یأجوج و مأجوج 77](#_Toc435705924)

[خسوف سه‌گانه 78](#_Toc435705925)

[دود 79](#_Toc435705926)

[طلوع خورشید از مغرب 80](#_Toc435705927)

[خروج جنبنده (دابه) از زمین 82](#_Toc435705928)

[جنبنده (دابه) چیست؟ 82](#_Toc435705929)

[آتشی که مردم را به محشر سوق می‌دهد 83](#_Toc435705930)

سخن مؤلف

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين:

روز قیامت مرحله مهم و با اهمیتی در زندگی انسان است، و نمایان‌گر آنچه که برای انسان اتفاق می‌افتد، می‌باشد، از هنگام مرگ تا اینکه در بهشت یا در دوزخ مستقر شود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  کسـی‌روز‌محشـر‌نگـردد‌خجـل[ |  | که شبها بدرگـه برد سـوز دل |
| اگـرهـوشمـندی‌زداوربخـواه |  | شب توبه تقصـیر روز گـناه |
| هنوز از سر صلح داری چـه بیم |  | در عذر خـواهان نبندد کـریم |
| کریمی که آوردت از نیست هست |  | عجب گر بیفتی نگیرد دسـت |

قیامت حق است، و در آمدنش هیچ شکی نیست، اما کی خواهد آمد، سوالی است که سید المرسلین در جوابش فرمود: **«**سؤال شده از سؤال کننده داناتر نیست (یعنی در این مورد، من از تو عالم‌تر نیستم)**»**. و علم آن تنها خاص خداوند یگانه است. اما رسول گرامیص در احادیث و سخنان پاکش ما را از نشانه‌های قیامت آگاه نموده است، لذا در این کتاب سعی شده؛ آن روایات و احادیث را انتخاب نموده و برای شما خوانندگان محترم ذکر نماییم، باشد که مایه عبرت، و تذکری برای همگان باشد، و همچنین سبب نجاتم در روز آخرت گردد، روزی که ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ٨٩﴾ [الشعراء: 88-89].

«روزی که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه خداوند بیاید».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| در آن روز کز فعل پرسند و قول |  | اولوالعزم را تن بلزد ز هـول |
| بجائی که دهشت خورند انبیاء |  | تو عذر گنه را چه داری؟ بیا |

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

خادم العلم والعلماء

دکتر حسین تاجی گله‌داری

شارجه 22 جمادی اول 1427 هـ

ایمان به روز قیامت

ایمان داشتن به روز آخرت رکنی از ارکان ایمان بشمار می‌آید، ایمان به روز آخرت و آنچه که در آن روز بوقوع می‌پیوندد و همچنین نشانه‌های آن از امور غیب محسوب می‌شود.

اموری است که انسان نمی‌تواند با عقل خودش آن‌ها را درک بکند، بلکه راه شناخت آن‌ها فقط از کانال وحی می‌باشد.

و بخاطر اهمیت روز آخرت می‌بینیم که خداوند تبارک و تعالی در بیشتر جاهای قرآن کریم ایمان به خودش را ربط می‌دهد، به ایمان داشتن به روز آخرت چنان‌چه می‌فرماید:

﴿۞لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [البقرة: 177].

«نیکو کاری این نیست که چهره‌هایتان را بطرف مشرق و مغرب متوجه سازید، و لیکن نیکوکارکسی است که ایمان آورد به خدا و روز قیامت ...».

و می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكُمۡ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ﴾ [الطلاق: 2]

«با این حکم کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پند داده می‌شود».

و می‌فرماید:

﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَۚ وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَٱلۡمُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤۡتِيهِمۡ أَجۡرًا عَظِيمًا١٦٢﴾ [النساء: 162]

«و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده؛ ایمان می‌آورند، و (همچنین) بر پا دارندگان نماز و زکات دهندگان، و مؤمنان به خدا و روز قیامت؛ بزودی به همه‌ی آن‌ها پاداش بزرگی خواهیم داد».

همچنین پیامبرص در احادیث بسیاری ایمان به خدا و روز آخرت را یکجا ذکر می‌کند و به هم ربط می‌دهد، و می‌فرماید:

«من کان يؤمن بالله واليوم الآخر...».

کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، ... .

روز آخرت مرحله بسیار مهمی در زندگی انسان می‌باشد ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَ‍َٔابًا٣٩﴾ [النبأ: 39].

«آن است روز حق، (و هر حقیقتی آشکار می‌گردد) پس هر کسی که راه نجات خود را می‌خواهد، راه باز گشت به درگاه پروردگار را بگیرد».

زندگی در تصور و جهان بینی اسلامی تنها زندگی کوتاه دنیوی نیست و تنها زندگی در همین عمر کوتاه انسان خلاصه نمی‌شود بلکه انسان مسلمان این دنیا را مرحله‌ای برای رسیدن به زندگی جاویدان و سعادت ابدی تلقی می‌کند و از زندگی دنیا و عمر محدودش برای زاد آخرتش توشه می‌گیرد و می‌داند که دنیا کشتزار آخرت است و برای آن روز زاد و توشه می‌گیرد ﴿وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ﴾ [البقرة: 197]

«و توشه بر گیرید؛ که بهترین توشه پرهیزگاری است».

و فرد مسلمان از آنجای که به روز آخرت ایمان دارد و می‌داند که در ازای خوبی و نیکی پاداش و در ازای بدی عقاب دارد، برای انجام اعمال نیک و صالح کوشش و تلاش می‌کند، و برای بدست آوردن اجر و پاداش و خوشنودی پروردگارش در دنیا جهاد و تلاش می‌کند، و مشکلات و سختی‌ها را متحمل می‌گردد، و بر بلاها صبر می‌کند، و می‌داند آنچه که نزد پروردگارش در آن جهان دارد، بهتر و پا برجاتر است.

قرآن کریم در آیات بسیاری بر ایمان داشتن به روز قیامت و زنده شدن بعد از مرگ تأکید نموده است.

و از مقتضیات ایمان به روز آخرت ایمان داشتن به قرب وقوع قیامت می‌باشد و بر هر فردی واجب است خود را برای آن آماده سازد بدون اینکه خودش را به وقت وقوع آن، مشغول بسازد، زیرا که وقت آن از علم غیب است، که نه رسول مرسل، و نه فرشته مقرب آنرا می‌داند، و برای حکمتی که خداوند خودش به آن آگاهتر است، وقت حادثه قیامت را منحصر بخود گردانید.

هنگامی که شخص اعرابی از پیامبر خدا از قیامت پرسید حضرت در جواب فرمود:

 «ماذا أعددت لها»؟

**«**چه چیزی بر آن روز آماده کرده ای؟**»**([[1]](#footnote-1)).

و در حدیث جبریل هنگامی که پرسیده شد قیامت چه وقتی است؟

فرمودند:

**«**سوال کننده و پاسخ دهنده در این امر یکسان هستند**»**.

یا کسی که از وی سؤال شده از سؤال کننده آگاه‌تر نیست، ولی من تو را به نشانی‌های آن آگاه می‌سازم...**»**([[2]](#footnote-2)) .

قیامت نزدیک است

خداوند بزرگ قبل از 14 قرن در قرآن کریم فرموده است که قیامت نزدیک است، و وقت بوقوع پیوستن آن آمده است.

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ١﴾ [القمر: 1].

«قیامت نزدیک شد وماه بشکافت»

و می‌فرماید:

﴿يَسۡ‍َٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا٦٣﴾ [الأحزاب: 63].

«(ای پیامبر !) مردم تو را از (زمان قیام) قیامت می‌پرسند، بگو :«علم آن تنها نزد الله است» و تو چه می‌دانی شاید که قیامت نزدیک باشد».

و از آنجای که وقت وقوع آن بسیار نزدیک شده قرآن کریم چنان برای ما به تصویر می‌کشد که گویا اکنون آمده و حاضر شده است:

﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ﴾ [النحل: 1].

«فرمان خدا فرا رسیده است، پس برای آن شتاب نکنید».

شاید کسی بپرسد:

 چگونه قیامت نزدیک است در حالی که از خبر آمدنش، بیش از 1400 سال می‌گذرد؟!

 باید در جواب آن‌ها عرض کرد:

 در علم خدا و تقدیر الهی بسیار نزدیک است، اگر چه بشر با میزان و مقیاس خودش آنرا دور می‌پندارد.

﴿إِنَّهُمۡ يَرَوۡنَهُۥ بَعِيدٗا٦ وَنَرَىٰهُ قَرِيبٗا٧﴾ [المعارج: 6-7].

«بی‌گمان آن‌ها آن (روز) را دور می‌بینند. و ما آن را نزدیک می‌بینیم»

و می‌فرماید:

﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ﴾ [محمد: 18].

«پس آیا آن‌ها (= کافران) جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرارسد؟ به راستی نشانه هایش آمده است».

خداوند تبارک و تعالی بخاطر لطف و مرحمتش به بندگان خود، برای قرب قیامت، و همچنین برای وقت بوقوع پیوستن آن نشانه‌ها و علاماتی قرار داده تا اینکه افراد غافل بخود آیند و بسوی پروردگارشان رجوع و توبه کنند، و افراد متقی و پرهیزگار به اطاعت و عبادت خویش بیافزایند.

 اولین علامت و نشانه‌های قرب و نزدیک بودن قیامت، بعثت پیامبر خاتمص می‌باشد.

که فرموده است:

**«**من و قیامت چنین مبعوث و بر انگیخته شده‌ایم**»**.

 و با انگشت شهادت و میانه اشاره فرمودند([[3]](#footnote-3)).

نام‌های روز قیامت:

چنان‌چه ذکر نمودیم قرآن کریم به روز آخرت اهتمام ویژه‌ای داده است، بدین خاطر می‌بینیم که نام‌های بسیار برای آن روز رستاخیز ذکر کرده است.

امام ابن کثیر در کتاب النهایة (الفتن والملاحم) بیش از 80 نام از اسامی روز قیامت شمرده است، ما در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الساعة:

 خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ٥٩﴾ [غافر: 59].

«یقیناً قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست».

روز رستاخیز (یوم البعث):

خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ﴾ [الروم: 56].

«به راستی شما به فرمان کتاب خدا (لوح محفوظ) تا روز رستاخیز درنگ کردید، پس این روز رستاخیز است».

روز جزاء (یوم الدین):

 در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ٤﴾ [الفاتحة: 4].

روز حسرت و پشیمانی (یوم الحسرة):

در قرآن مجید آمده است:

﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ﴾ [مريم: 39].

«و (ای پیامبر!) آن‌ها را از روز حسرت بترسان».

سرای آخرت (الدار الاخرة):

خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ٦٤﴾ [العنكبوت: 64].

«و بی‌تردید اگر می‌دانستند سرای آخرت همان زندگی (واقعی) استم».

سرای جاویدان(دار القرار):

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ٣٩﴾ [غافر: 39].

روز ندا کردن یکدیگر (یوم التناد):

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ٣٢﴾ [غافر: 32].

«و ای قوم من! بی‌گمان من بر شما از روزی که (مردم) یکدیگر را صدا می‌زنند، (روز قیامت) می‌ترسم».

روز جدائی، روز داوری (یوم الفصل):

خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ٢١﴾ [الصافات: 21].

«(آری) این (همان) روز داوری است، که شما آن را تکذیب می‌کردید».

روز جمع شدن (یوم الجمع):

می‌فرماید:

﴿وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِ﴾ [الشورى: 7].

«و از روز جمع شدن (= روز قیامت) که در آن شک و تردیدی نیست، بترسانی».

روز حساب (یوم الحساب):

خداوند می‌فرماید:

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ٥٣﴾ [ص: 53].

«این است چیزهایی که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود».

روز وعید (یوم الوعید):

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ٢٠﴾ [ق: 20].

«و در «صور» دمیده شود، آن روز، (روز تحقق) وعدۀ (عذاب) است».

روز جاویدانی و ماندنی (یوم الخلود):

و می‌فرماید:

﴿ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٖۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُلُودِ٣٤﴾ [ق: 34].

«(به آن‌ها گفته می‌شود:) «به سلامت وارد آن (بهشت) شوید، (که) این روز جاودانگی است».

روز بیرون شدن (یوم الخروج):

خداوند می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ٤٢﴾ [ق: 42].

«روزی که همگان صیحه (= بانگ سهمناک رستاخیز) را بحق می‌شنوند، آن روز خروج (از گورها) است».

 (الواقعة):

خداوند می‌فرماید:

﴿إِذَا وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ١﴾ [الواقعة: 1].

«هنگامی که واقعه ی قیامت واقع شود».

 (الحاقة):

خداوند می‌فرماید:

﴿ٱلۡحَآقَّةُ١ مَا ٱلۡحَآقَّةُ٢ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحَآقَّةُ٣﴾ [الحاقة: 1-3].

«(روز) واقع شدنی (رستاخیز)، آن واقع شدنی چیست؟ و تو چه دانی آن واقع شدنی چیست (و چگونه است)؟!».

بلای بسیار بزرگ (الطامة الکبری):

خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ٣٤﴾ [النازعات: 34].

«پس هنگامی که (آن) حادثۀ بزرگ (قیامت) فرا رسد».

فریاد و صدای کر کننده (الصاخة):

خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ٣٣﴾ [عبس: 33].

«پس هنگامی که (آن) صدای مهیب (قیامت) فرا رسد».

نزدیک (الآزفة):

خداوند می‌فرماید:

﴿أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ٥٧﴾ [النجم: 57].

«قیامت نزدیک شده است».

کوبنده (القارعة):

خداوند کریم می‌فرماید:

﴿ٱلۡقَارِعَةُ١ مَا ٱلۡقَارِعَةُ٢ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ٣﴾ [القارعة: 1-3] ([[4]](#footnote-4)).

«فرو كوبنده. چیست (آن) فرو كوبنده؟ و تو چه دانی که (آن) فرو کوبنده چیست؟».

وقت وقوع حادثه قیامت بجز الله کسی نمی‌داند

قرآن کریم در آیات بسیاری این مسئله را روشن نموده است، که دانستن وقت حادثه قیامت مخصوص خداوند تبارک و تعالی است، و کسی بر آن آگاهی ندارد، نه پیامبران الهی و نه فرشتگان مقرب می‌دانند.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقۡتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا تَأۡتِيكُمۡ إِلَّا بَغۡتَةٗۗ يَسۡ‍َٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنۡهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ١٨٧﴾ [الأعراف: 187].

«(ای پیامبر) دربارۀ قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی واقع می‌شود؟ بگو: «مسلماً علم آن فقط نزد پروردگار من است، وجز او کسی وقتش را (نمی داند و) آشکار نسازد ، (دانستن آن) در آسمان‌ها وزمین سنگین (و پوشیده) است، وجز بطور ناگهانی، به سوی شما نمی‌آید». (چنان) از تو سؤال می‌کنند که گویی تو از وقوع آن خبر داری، بگو: «علم آن، فقط نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿يَسۡ‍َٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا٦٣﴾ [الأحزاب: 63].

«(ای پیامبر !) مردم تو را از (زمان قیام) قیامت می‌پرسند، بگو :«علم آن تنها نزد الله است» و تو چه می‌دانی شاید که قیامت نزدیک باشد».

و می‌فرماید:

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا٤٢ فِيمَ أَنتَ مِن ذِكۡرَىٰهَآ٤٣ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ٤٤﴾ [النازعات: 42-44].

«(ای پیامبر) دربارۀ قیامت از تو می‌پرسند، که در چه زمانی واقع می‌شود؟ تو را با یا آوری این سخن چه کار است؟ (سر انجام و) منت‌های (علم) آن نزد پروردگارتواست».

این آیاتی که ذکر نمودیم همگی بطور واضح دلالت می‌کند که وقت حادثه قیامت بجز خداوند بزرگ کسی دیگر نمی‌داند، و قیامت ناگهانی برپا می‌شود، و علم بر پا شدن قیامت از علوم ( مفاتح پنجگانه) غیبی است که فقط خداوند می‌داند:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ٣٤﴾ [لقمان: 34].

«بی‌گمان علم (زمان) قیامت نزد خداست، و (او) باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌هاست می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه چیز به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد، یقیناً خداوند دانای آگاه است».

در حدیث صحیح پیامبر اکرمص فرمودند: **«**مفاتح غیب پنج تا می‌باشد که بجز خداوند کسی نمی‌داند؛ سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

**﴿**إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ٣٤**﴾** [لقمان: 34] ([[5]](#footnote-5)).

و هنگامی که جبریل÷ بشکل و چهره فردی اعرابی نزد پیامبرص آمدند و از ایشان پرسیدند:

قیامت کی است؟

حضرتص در جواب ایشان فرمودند:

**«**سؤال شونده از سؤال کننده داناتر نیست (دانش ما و شما در این زمینه یکسان است)**»**.

 پس دانستیم که حتی پیامبر آخر الزمان سید بشر محمد مصطفیص و جبریل÷، بزرگ‌ترین فرشته الهی، نمی‌دانند که قیامت چه وقتی بر پا می‌شود.

نشانه‌های قیامت

چنانچه که ذکر کردیم خداوند تبارک و تعالی وقت وقوع حادثه قیامت را بر بندگانش پوشیده نگه داشته است ولی از راه لطف و کرمش نشانه‌ها و علاماتی برای نزدیک شدنش قرار داده است که پیامبر اسلام حضرت محمدص برای امت بیان نموده است.

﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ﴾ [محمد: 18].

«پس آیا آن‌ها (= کافران) جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرارسد؟ به راستی نشانه هایش آمده است».

نشانه‌های قیامت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1. نشانه‌های صغری (کوچک)
2. نشانه‌های کبری (بزرگ).

نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت

نشانه‌های صغری قیامت بسیار است و علمای بزرگوار نشانه‌های صغری را از لحاظ ظهور و آشکار شدنش به سه دسته تقسیم نموده‌اند.

1. آنچه آمده و تمام شده است.
2. آنچه که برخی از آن آمده و پیوسته در حال آشکار شدن است و روز بروز بیشتر می‌شود.
3. آنچه که هنوز نیامده است.

 ما در این کتاب مختصر سعی می‌کنیم که آنچه که در احادیث ثابت و صحیح پیامبرص، از نشانه‌های قیامت شمرده شده با ذکر دلیل بیان نماییم، شایان یاد آوری است آنچه که از علامات و نشانه‌های قیامت شمرده می‌شود، همگی ممنوع یا نا پسند یا حرام نیست، بلکه گاهی علامت خیر و گاهی علامت شر می‌باشد، زیرا برخی‌ها چنین می‌اندیشند که آنچه از علامت قیامت شمرده شده حرام و یا شر است.

اکنون به ذکر نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت می‌پردازیم:

1- بعثت پیامبر اسلام**ص**

رسول اکرمص بیان فرموده‌اند که، بعثت ایشان دلالت دارد بر نزدیک شدن حادثه قیامت در حدیث آمده است:

سهل بن سعدس می‌گوید:

 پیامبرص فرمود:

«من و قیامت مانند این دو همراه مبعوث شده‌ایم»

 و حضرتص با دو انگشتان دستشان اشاره می‌فرمودند([[6]](#footnote-6)).

و انس بن مالکس می‌گوید:

 رسول خداص فرمودند:

«من و قیامت مانند این دو مبعوث شده‌ایم».

 انس می‌گوید:

 رسول خدا انگشت شهادت را به انگشت وسطی چسپاند([[7]](#footnote-7)).

و امام احمد بن حنبل با اسناد صحیح از ابو جبیرهس روایت می‌کند که می‌گوید:

 رسول اللهص فرمود:

**«**من در آغاز نسیم قیامت مبعوث شدم**»**([[8]](#footnote-8)).

بنابراین اولین نشانه قرب قیامت بعثت محمد مصطفیص است که بعد از ایشان پیامبری نخواهد آمد، و بعد از آن قیامت است چنان‌که در کنار انگشت شهادت انگشت وسطی قرار دارد، و در میان آن‌ها انگشت دیگری نیست.

امام حسن بصری می‌فرماید:

 اولین نشانه‌های قیامت حضرت محمدص است.

امام قرطبی می‌فرماید:

«اولین نشانه قیامت حضرت محمدص است، زیرا که پیامبر آخر زمان است، و بدرستیکه در حالی مبعوث شده که میان ایشان و قیامت پیامبر دیگری نیست»([[9]](#footnote-9)).

2- وفات جان‌گداز رسول اکرم**ص**:

از نشانه‌های قرب قیامت وفات پیامبر گرامیص می‌باشد در حدیث صحیح آمده است

عوف بن مالک می‌گوید:

 در غزوه تبوک نزد رسول اللهص حاضر شدم در حالی که ایشان در خیمه چرمی تشریف داشتند، فرمودند:

**«**قبل از آمدن قیامت شش چیز (و نشانی) بشمارید: وفات من... **»** الحدیث([[10]](#footnote-10)).

در روایت دیگر چنین آمده است، عوف بن مالک أشجعی می‌گوید:

 خدمت حضرتص حاضر شدم، آنگاه سلام عرض کردم، پیامبرص فرمود:

 **«**عوف؟**»** عرض کردم:

 بله، فرمودند:

 **«**وارد شو**»** عوف می‌گوید:

«گفتم با تمام بدانم یا جزیی از آن؟([[11]](#footnote-11)) حضرتص فرمودن

«بلکه با تمامت وارد شو».

سپس فرمود:

**«**ای عوف! شش چیز قبل از آمدن قیامت حساب بکن و بشمار، اولین آن‌ها: وفات من **…** **»**.

عوف می‌‌گوید:

 من گریه کردم تا اینکه حضرت رسولص مرا ساکت نمودند، (سپس بقیه حدیث را ذکر نمودند)([[12]](#footnote-12)).

بله عزیزان، شکی نیست که وفات سید جهانیان حضرت محمد مصطفیص بزرگ‌ترین مصیبتی است که بر امت اسلامی واقع شده است.

و با وفات پیامبر اسلامص وحی منقطع گردید.

و براستی هنگامی که حضرتص به لقای پروردگارش رفتند دنیا در چشم یارانش تیره و تار گردید.

چنانچه که صحابی جلیل انس بن مالکس می‌فرماید: هنگامی که حضرتص به مدینه تشریف آوردند هر چیز در مدینه روشن و درخشان گردید، و آنگاه که حضرتص وفات کردند، هر چیز در مدینه تیره و تاریک شد([[13]](#footnote-13)).

3- فتح بیت المقدس:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت فتح سرزمین بیت المقدس (فلسطین) می‌باشد.

در دنباله حدیث عوف بن مالک چنین آمده: «...فتح بیت المقدس...»([[14]](#footnote-14)).

در زمان خلافت امیر المومنین عمر بن الخطاب سال 16 هجری برابر 638 میلادی بیت المقدس فتح شد، هنگامی که نصاری ساکنین شهر قدس از فرمانده لشکر مسلمانان حضرت أبوعبیده بن الجراح خواستند که با آن‌ها پیمان صلح و امان امضاء کند، و جزیه بپردازند، ولی آنان تنها شرط شان این بود، که باید خلیفه مسلمانان خودش جهت امضای قرار داد، و تحویل گرفتن کلید بیت المقدس تشریف بیاورد، زیرا که وصف ایشان در تورات دیده بودند.

بدین خاطر حضرت عمرس تشریف آوردند و با آن‌ها قرارداد صلح امضاء نمودند، و سر زمین مقدس را از لوث یهود و نصاری پاک گردانیدند و در آنجا مسجد بنا نمودند([[15]](#footnote-15)).

سپس بعدها سر زمین قدس بارها از طرف صلیبی‌ها مورد حمله قرار گرفت و در سال 492 هجری برابر با 1098میلادی صلیبی‌ها بیت المقدس را اشغال نمودند. آنگاه در ماه رجب سال 583 هجری برابر با 1187 میلادی قهرمان اسلام صلاح الدین ایوبی مجدداً قدس را از چنگال صلیبی‌ها بیرون آورد و آن را پاک گردانید.

ولی دوباره صلیبی‌ها در سال 626 هجری سرزمین قدس را بتصرف خود در آوردند، آنگاه در سال 637 هجری برابر با 1239 میلادی ملک ناصر ایوبی از آنان باز پس گرفت، سپس در سال 641 هجری صلیبی‌ها مجدداً قدس را تصرف کردند آنگاه پس از یک سال پادشاه پارسا ایوب از تصرف آن‌ها بیرون آورد.

ولی افسوس صهیونیست‌ها و صلیبی‌ها بعد از جنگ‌های پی در پی و همچنین پس از کنفرانس‌های متعدد و توطئه‌های بسیار، توانستند در سال 1967 میلادی آن را به اشغال خود در بیاورند، و از آن تاریخ به بعد درگیری‌های و کشمکش‌ها ادامه دارد، و انشاء الله در نهایت فتح از آن مسلمانان خواهد بود، و در قرب قیامت بر حسب فرمایش پیامبرص جنگ بزرگی رخ می‌دهد، و مسلمانان به رهبری حضرت مهدی با یهود و نصاری جهاد می‌کنند، و آنگاه سر زمین بیت المقدس به دست مبارک حضرت مهدی فتح خواهد شد.

به امید آن روز.

4- طاعون عمواس:

در سال 18 هجری در روستای عمواس([[16]](#footnote-16)) این مرض طاعون شروع شد، سپس در سر زمین شام منتشر گردید و تعداد زیادی از یاران رسول اللهص وفات کردند تعداد وفیات 25 هزار نفر از مسلمانان گفته شده است، و از جمله کسانی که در این حادثه جان دادند حضرت ابو عبیده بن الجراح امین این امت بود.

در دنباله حدیث عوف آمده:

**«**.. پس مرگ و میر بسیاری در میان شما رخ خواهد داد و این مرگ چنان ناگهانی است مانند بیماری که به گوسفندان اصابت می‌کند و از بینی آنان عفونت و چرک بیرون می‌آید سپس می‌میرند...**»**([[17]](#footnote-17)).

امام ابن حجر/ در فتح الباری شرح صحیح بخاری می‌نویسد: این علامت و نشانی در زمان خلافت عمر، و بعد از فتح بیت المقدس، وبای طاعون عمواس آشکار شد([[18]](#footnote-18)).

5- زیاد شدن مال و دارائی و بی‌نیاز شدن از صدقه

حضرت أبو موسیس از حضرت رسول خداص روایت می‌کند که فرمودند: **«**بدون شک بر مردم زمانی خواهد آمد که شخص ثروتمند، با خودش طلاء برای صدقه دارد کسی را نمی‌یابد که از وی بپذیرد**»**([[19]](#footnote-19)).

ابو هریرهس می‌گوید: رسول اللهص فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود مگر تا زمانی که مال و دارائی در میان شما بسیار شود (و خزانه‌ها لبریز گردد) تا جای که شخص پول‌دار صاحب مال نگران است، که چه کسی صدقه را از وی می‌پذیرد، شخصی را برای گرفتن صدقه فرا خوانده می‌شود آنگاه او می‌گوید: من به آن حاجت و نیازی ندارم**»**([[20]](#footnote-20)).

رسول گرامیص در احادیث بسیار در بارۀ اینکه مال و اموال زیاد می‌شود فرموده است، و همچنین فرموده که خداوند گنجینه‌های زمین به این امت عطا می‌فرماید.

**«**دو گنجینه سرخ (طلا) و سفید (نقره) بمن عطا شد**»**([[21]](#footnote-21)).

در حدیث دیگر می‌فرماید: **«**همانا کلید گنجینه‌های زمین به من داده شد**»**([[22]](#footnote-22)).

عدی بن حاتمس می‌گوید:

من در خدمت پیامبرص حاضر بودم، ناگاه فردی آمد از فقر و تنگدستی به حضرت شکایت کرد، سپس فرد دیگری آمد و از راهزنی شکایت کرد، آنگاه حضرتص فرمودند:

 **«**ای عدی! آیا تو سرزمین حیره را دیده‌ای؟**»**

عرض کردم:

 ندیده‌ام، ولی در باره آن شنیده‌ام.

 فرمودند:

 **«**اگر عمرت طولانی شود، خواهی دید که یک زن به تنهایی از حیره بلند می‌شود، و به مکه می‌رود، و طواف خانه خدا را بجای میآورد، و از کسی بجز خدا نمی‌ترسد**»**.

عدی می‌گوید:

من با خودم گفتم: پس در آن هنگام دزدان و راهزنان قبیله طی کجا هستند؟.

**«**و اگر زنده بودی، یقیناً گنجینه‌های کسرا را فتح خواهید کرد**»**.

عرض کردم: کسرا پسر هرمز؟.

فرمودند: **«**کسرا پسر هرمز، و اگر زنده بودی مردمانی را خواهید دید که به پری کف دستشان طلا یا نقره در دست دارند و دنبال کسی هستند که از آنان بپذیرد، پس کسی را نمی‌یابند...**»**.

عدی می‌فرماید:

بدرستی که من با چشمان خودم دیدم، که زن از حیره تا مکه سفر می‌کرد، و طواف خانه خدا را بجا می‌آورد، و از کسی جز خدا نمی‌ترسید، و خودم از زمرۀ کسانی بودم که گنجینه‌های کسرا پسر هرمز را فتح کردیم، و شما اگر عمر کردید آنچه که ابو القاسم پیامبرص فرمودند خواهید دید([[23]](#footnote-23)).

شکی نیست که بسیاری از این پیش‌گوئی‌های رسول اکرمص به تحقق رسیده است، و در زمان صحابه کرام به سبب فتوحات بسیار مال و اموال بسیار گردید، و اموال و دارائی فارس و روم را تقسیم نمودند، همچنین در زمان خلافت عمر بن عبد العزیز/ آنقدر مال و دارائی زیاد شده بود([[24]](#footnote-24))، فردی که می‌خواست صدقه‌ای بدهد شخصی را نمی‌یافت که از وی بپذیرد.

و همچنان مال بیشتر و بیشتر خواهد شد، و بخصوص در هنگام ظهور حضرت مهدی و آمدن حضرت عیسی÷، زیرا که در آن هنگام زمین آنچه از گنجینه و دفینه در درون خود دارد، بیرون می‌ریزد.

6- فتنه و آشوب

انسان مسلمان همیشه در معرض بلا و آزمایش است تا اینکه خالص از ناخالص مشخص گردد.

این بلاها گاهی در مال و گاهی در اهل و عیال خواهد بود.

چه بسا اوقات امت اسلامی دچار فتنه و آزمایش می‌گردد، در میان شان تفرقه، اختلاف، خون ریزی، و قتل و کشتار، هتک حرمات و سلب اموال، صورت می‌گیرد.

و هر چند از عمر این امت کاسته شود، و به قیامت بیشتر نزدیک شود، انواع فتنه و آشوب و آزمایش‌ها بیشتر و بیشتر می‌گردد.

خداوند تبارک و تعالی پیامبر گرامیش را بر بسیاری از بلاها و فتنه های که امتش با آن‌ها دچار خواهند شد، آگاه ساخته و رسول اکرمص نیز امتش را بر حذر داشته است، و راه خروج از آن فتنه‌های تاریک بیان نموده است.

رسول خداص در احادیث بسیاری بیان فرموده‌اند که: یکی از نشانه های قیامت آشکار شدن فتنه‌های عظیم می‌باشد، چنان فتنه‌ای که حق با باطل آمیخته می‌گردد، و ایمان افراد متزلزل و سست می‌شود، بطوری که یک فرد صبح میکند در حالی که مؤمن بوده، و هنگام شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود.

در حدیث ابو موسی اشعریس آمده است پیامبرص فرمودند:

**«**همانا قبل از وقوع قیامت فتنه‌های مانند شب تاریک خواهد آمد، که فرد در حال ایمان صبح می‌نماید و شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود، فرد نشسته در این فتنه بهتر است از ایستاده، و ایستاده، بهتر است از کسی که راه می‌رود، و کسی که راه می‌رود بهتر است از آن کس در آن فتنه سعی و تلاش می‌کند پس کمانهای خود را تکه تکه کنید و نیزه‌های خود را و شمشیر هایتان را به سنگ بزنید، و آنگاه اگر فتنه بر شما وارد شد و به آن مبتلا شدید، پس بهترین فرزند حضرت آدم باشید**»**([[25]](#footnote-25)).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

**«**به انجام دادن اعمال نیک مبادرت ورزید، چون، فتنه‌های مانند تکه شب تاریک خواهد آمد که شخص صبح ایمان دارد، و شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود، شخص دین خود را به متاع بی‌ارزش دنیا می‌فروشد**»**([[26]](#footnote-26)).

دربارۀ فتنه‌های آخر الزمان احادیث و روایت بسیاری آمده است، و رسول گرامی اسلامص امتش را از فتنه‌ها بر حذر داشته ، و دستور داده است که انسان از شر این فتنه‌ها، همیشه به خداوند پناه ببرد. و تنها راه نجات از فتنه‌ها ایمان به خدای واحد و ایمان بروز آخرت است، و همچنین متمسک بودن به جماعت مسلمانان و متفرق نشدن می‌باشد.

ما در اینجا به برخی از فتنه و آشوب‌های که پیامبرص پیش گوئی کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

1) شهادت خلیفه مسلمین حضرت عثمان بن عفان:

بعد از شهادت سیدنا عمر فاروقس که قلعه و دروازۀ محکمی در مقابل فتنه بودند، فتنه‌ها یکی بعد از دیگری آشکار و هویدا شد، و منافقین توانستند که بیشتر رشد کنند و خود را در صفوف مسلمانان جای دهند.

پس اولین فتنه، کشته شدن حضرت عثمان توسط داعیان شر بود، آن کسانی که از عراق و مصر آمده بودند و به شهر مدینه یورش بردند و خلیفه مسلمین را شهید کردند.

و با شهادت حضرت عثمان، در صف مسلمانان شکاف ایجاد شد، و در میان صحابه پیامبر جنگ و خونریزی در گرفت.

روزی رسول اکرمص بر تپه‌ای از تپه‌های مدینه بالا رفتند، فرمودند: **«**آیا آنچه من می‌بینم شما می‌بینید؟**»**.

 عرض کردند: خیر، فرمودند:

**«**همانا من فتنه‌های را می‌بینم که مانند دانه‌های باران در خانه‌ها و منازل شما فرو می‌ریزد**»**([[27]](#footnote-27)).

امام نووی/ در شرح این حدیث چنین می‌نویسد:

 تشبیه فتنه به دانه‌های باران، در کثرت و عمومیت آن است، یعنی بسیار است و همه مردم را در بر می‌گیرد، و مخصوص گروه و طائفه خاصی نیست، و این حدیت اشاره دارد.

به جنگ‌های که بین صحابه صورت گرفت، مثل جنگ جمل، صفین و واقعه حره و شهادت عثمان و حضرت حسینب...([[28]](#footnote-28)).

2) جنگ جمل:

از حادثه‌های ناگواری که بین صحابه رسول اللهص رخ داد حادثۀ جنگ جمل بود که بعد از شهادت حضرت عثمانس؛ بین امیر المؤمنین علیس از یک طرف و بین حضرت عایشه و طلحه و زبیر، صورت گرفت.

 و حضرت عایشه و یارانش برای ایجاد صلح بین مسلمانان بیرون شدند ولی بدون اختیار طرفین جنگ صورت گرفت و رسول اکرمص پیشنگوئی فرموده بودند، و به حضرت علی دستور داده بودند که هنگام جنگ و درگیری حضرت عایشه را به جایگایش باز گرداند([[29]](#footnote-29)).

3) جنگ صفین:

یکی دیگر از جنگ‌های که بین صحابه واقع گردید، جنگ صفین است، که بین حضرت علی و معاویه در گرفت.

رسول اکرمص فرموده بودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه دو گروه و طایفه بزرگ از مسلمانان با همدیگر بشدت بجنگند...**»**([[30]](#footnote-30)).

امام ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد: این دو طایفه همانا علی و یارانش و معاویه و یارانش هستند([[31]](#footnote-31)).

4) فتنۀ خوارج:

رسول اکرمص در احادیث بسیاری از آمدن گروهی خبر داده‌اند مدعیان علم هستند و بسیار عبادت می‌کنند نماز، روزه، تلاوت قرآن را بسیار می‌کنند، ولی در حقیقت از احکام و فهم قرآن چیزی نصیبشان نیست «یقرءون القرآن لا یجاوز تراقیهم».

**«**قرآن را می‌خوانند ولی از ترقوه آن‌ها پایین نمی‌رود**»**.

این گروه در زمان امیر المومنین علیس پس از جنگ صفین و موافقت اهل عراق و شام به حکمین، و هنگام بازگشت علی به کوفه آشکار شدند، و قبلاً در لشکر امیر المؤمنین علی بودند. و از لشکر جدا شده و در منطقه‌ای بنام حروراء اقامت نمودند، تعدادشان تقریباً هشت هزار نفر بود و گفته شده 16 هزار نفر بود.

حضرت أمیر المؤمنین، عبد الله بن عباسب را برای مناظره با آن‌ها فرستاد، تعداد زیادی از آنان توبه کردند و بر گشتند....

و سر انجام در منطقه بنام نهروان أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب با آنان جنگید و آن‌ها را تار و مار کرد بجز تعداد کمی که از کشته شدن نجات یافتند([[32]](#footnote-32)).

همچنان که گفتیم پیامبرص دربارۀ آمدن و ظهور فرقه خوارج پیشین گوئی فرموده‌اند و دستور جنگ با آنان نیز داده‌اند، نا گفته نماند که این گروه و طائفه تمام شدنی نیستند بلکه در طول تاریخ خواهد بود تا اینکه در آخر الزمان به دجال می‌پیوندند.

7- ظاهر شدن آتشی از سرزمین حجاز:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت آتشی است که از سرزمین حجاز ظاهر می‌شود.

حضرت أبو هریرهس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا وقتی که آتشی از سرزمین حجاز ظاهر شود، و از روشنی آن، گردن شتران در شهر بصری (شام) دیده شود**»**([[33]](#footnote-33)).

امام قرطبی می‌فرماید:

این آتش در سرزمین حجاز در شهر مدینه، در شب چهارشنبه جمادی آخر سال 654 هجری، ظاهر شد، و آتشی بس عظیم بود([[34]](#footnote-34)).

امام نووی می‌گوید:

خبر ظاهر شدن این آتش از شهر مدینه، نزد تمام اهل شام و بقیه سر زمین‌ها متواتر است، و کسانی از اهل مدینه که آن را مشاهده کرده‌اند مرا خبر داده‌اند([[35]](#footnote-35)).

نا گفته نماند که این آتش غیر از آن آتشی است که هنگام حادثه قیامت ظاهر می‌گردد، و مردم را بسوی سرزمین حشر سوق می‌دهد.

8 ـ آمدن مدعیان نبوت:

یکی از نشانه‌های قیامت آمدن مدعیان دروغین نبوت است، که برخی از آن‌ها در زمان رسول اکرمص ادعای پیامبری نمودند، و برخی در زمان صحابه کرام ادعای پیامبری کردند، و پیوسته در طول تاریخ افرادی گمراه، آمده‌اند و نیز خواهند آمد که چنین ادعا کنند.

رسول اللهص فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه عده‌ای قریب به 30 نفر دجال صفت و دروغگو ادعای پیامبری کنند**»**([[36]](#footnote-36)).

و از ثوبانس روایت است که می‌گوید:

 رسول خداص فرمودند:

**«**قیامت برپا نمی‌شود، تا اینکه قبائلی از امتم به مشرکین بپیوندند، و تا اینکه بت‌ها پرستیده شود، و همانا در امتم 30 نفر دروغگو خواهد آمد، که همگی چنین می‌پندارند که پیامبر هستند، در حالیکه من خاتم پیامبرانم و بعد از من پیامبری نیست**»**([[37]](#footnote-37)).

از جمله کسانی که در عصر نبوت ادعای پیامبری کردند:

مسیلمه کذاب، اسود عنسی، و سجاح، و طلیحه اسدی، را می‌توان نام برد.

و از مدعیان نبوت در عصر حاضر می‌توان غلام میرزا قادیانی و حسین بن علی میرزا بهائی را نام برد.

9- از بین رفتن امانت:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت از بین رفتن امانت می‌باشد، امانت از دلها برداشته می‌شود، و شخص بعد از اینکه امین بوده خائن می‌گردد، و همچین سپرده شدن امور مسلمان بدست کسانی که لیاقت و شایستگی آن را نداشته باشند از نشانه‌های از بین رفتن امانت می‌باشد.

ابو هریرهس می‌گوید:

رسول خداص فرمود:

 «هنگامی که امانت از بین رفت، آنگاه منتظر قیامت باش**»**.

عرض شد:

 یا رسول الله! از بین رفتن امانت چگونه است؟.

فرمودند:

**«**هرگاه امور (امت) به غیر اهلش سپرده شود، پس منتظر قیامت باش**»**([[38]](#footnote-38)).

همچنین در قرب قیامت بر طبق فرمایشات رسول اکرمص موازین منقلب و دگرگون می‌گردد.

بطوری که فرد راستگو را تکذیب می‌کنند، و فرد دروغگو را تصدیق می‌کنند، و شخص امین را خائن، و شخص خائن را امین می‌دانند.

10- از بین رفتن علم و زیاد شدن جهل و نادانی:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست، که علم شرعی و دینی کم گردد، با وفات علماء و دانشمندان اسلامی رفته رفته از بین برود، و بعد از آن جهل و نادانی زیاد گردد.

أنس بن مالک می‌گوید:

رسول اللهص فرمودند:

**«**از نشانه‌های قیامت اینست که علم برداشته شود، و جهل و نادانی پا برجا و باقی بماند**»**([[39]](#footnote-39)).

و در حدیث دیگر آمده است: **«**زمان به همدیگر نزدیک می‌گردد، علم گرفته می‌شود، و فتنه و آشوب آشکار می‌گردد**»**([[40]](#footnote-40)).

و همچنان که ذکر کردیم، گرفته شدن علم با از بین رفتن و وفات علماء، صورت می‌گیرد.

در حدیث آمده است:

 **«**همانا خداوند علم را از (سینه) بندگان نمی‌کشد لیکن علم را با گرفتن (و وفات) علماء، می‌گیرد، تا اینکه عالمی باقی نماند، آنگاه مردم افراد نادان را بعنوان رئیس و بزرگ‌تر بر می‌گزینند، سپس پرسیده می‌شود، آنگاه آنان بدون علم و آگاهی فتوی می‌دهند، در نتیجه گمراه شده و دیگر ان را نیز گمراه می‌کنند**»**([[41]](#footnote-41)).

نا گفته نماند که هدف از علم در این احادیث، علم قرآن و سنت است، و آن علمی است که از پیامبران میراث برده‌اند، زیرا که علماء میراث بران پیامبران الهی هستند، و با رفتن آنان علم نیز می‌رود، و سنت‌ها می‌میرند و بدعت آشکار می‌کرد و جهل و نادانی زیاد می‌شود، اما علم دنیا رو به ازدیاد است.

11- زیاد شدن ربا خواری:

نشانه دیگری که امروزه بسیار بچشم می‌خورد، و سود ربا خواری است.

طبق فرمایش پیامبر ص، آنقدر میان مردم ربا خواری و سود زیاد و عام می‌شود که هیچ پروا نمی‌کنند.

ابوهریرهس روایت می‌کند، که رسول خداص فرمودند:

 **«**بر مردم زمانی خواهد آمد که شخص از مال و دارائی که بدست آورده، است هیچ پروا ندارد، آیا از حلال است یا از حرام**»**([[42]](#footnote-42)).

بله آنچه پیامبرص فرموده است در این ایام بوضوح بچشم می‌خورد، که بیشتر مردم کوشش و تلاش دارند که مال و ثروت جمع آوری کنند، و هیچ بفکر حلال یا حرام بودن آن نیستند.

12- شراب نوشی و روا دانستن آن:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت شراب نوشی است، که متأسفانه در این ایام بکثرت دیده می‌شود، و به نام‌های گوناگون نامیده می‌شود.

در حدیث صحیح انسس روایت می‌کند که پیامبرص فرمودند:

**«**از نشانه‌های قیامت...**»** و ذکر نمودند: **«**... و شراب نوشیده می‌شود**»**([[43]](#footnote-43)).

در حدیث دیگر آمده:

**«**گروهی از امتم شراب را حلال می‌دانند، و آن را به نام دیگری نامگذاری می‌کنند**»**([[44]](#footnote-44)).

13- بسیار شدن زنا و فحشاء:

یکی دیگر از نشانه‌های که پیامبر گرامیص پیشینگوئی فرموده است، زیاد شدن زنا و فحشا می‌باشد.

در حدیث انسس در باره نشانه‌های قیامت آمده:

**«**و زنا آشکار می‌شود**»**([[45]](#footnote-45)).

و از همه بدتر حلال دانستن آن است که در حدیث آمده: **«**در امتم گروهی خواهند بود؛ که زنا و ابریشم را حلال و جایز می‌پندارند**»**([[46]](#footnote-46)).

و در حدیث دیگر آمده است:

 **«**زمانی می‌آید که مردمان (در جلو دید دیگران) مانند الاغ مرتکب فعل زشت می‌شوند و بر آنان قیامت بر پا می‌شود**»**([[47]](#footnote-47)).

و در حدیث ابوهریره چنین آمده است.

پیامبرص فرموده:

**«**قسم بذاتی که جانم در دست اوست، این امت از بین نمی‌رود تا اینکه فردی زنی را در وسط راه بگیرد و با وی مرتکب عمل فاحشه شود، در آن زمان بهترین آن‌ها کسی است می‌گوید: کاش پشت این دیوار می‌رفتی...**»**([[48]](#footnote-48)).

14- آشکار شدن ساز و موسیقی و رقص و همچنین جایز دانستن آن:

سهل بن سعد از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**در آخر زمان (خسف) فرو رفتن در زمین، و (قذف) پر تاب سنگ آسمان و مسخ (چهره‌ها) خواهد بود».

عرض شد: یا رسول الله! چه وقتی؟

فرمود:

 **«**هنگامی که آلات موسیقی و ساز، و زنان آواز خوان آشکار، و بسیار شوند**»**.

متأسفانه امروزه امت اسلامی مبتلا و دامنگیر همه این‌ها است، به هر سوی که بنگریم صدای آواز و موسیقی بلند است، و زنان و مردان هنرپیشه و رقاص گوی هرمیدانی را ربوده‌اند.

15- زینت دادن مساجد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت مزین، و نقش و نگار کردن مساجد، و همچنین فخر فروشی بیکدیگر می‌باشد. أنس بن مالک روایت می‌کند که رسول خداص فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه مردم نسبت به مساجد به یکدیگر فخر کنند**»**([[49]](#footnote-49)).

در روایت دیگر چنین آمده:

**«**از نشانه‌های قیامت اینست که مردم در (ساخت و ساز) مساجد به یکدیگر فخر فروشی کنند**»**([[50]](#footnote-50)).

شکی نیست که مساجد با ذکر و طاعت خدا و رسولش، آباد می‌گردد نه با نقش و نگار ساختش.

و در حدیث دیگر و عید سختی آمده است:

**«**هنگامی که مسجد‌های‌تان را مزّین و رنگارنگ ساختید و قرآن‌هایتان را با آب طلاء زینت دادید، پس نابودی و هلاک برایتان است**»**([[51]](#footnote-51)).

16- رقابت با یکدیگر در ساختن ساختمان‌های بلند:

این نشانی همچنان‌که پیامبر گرامی مان فرموده بود، بعد از عصر نبوت، با آغاز فتوحات اسلامی، و بدست آمدن کنزها و گنجینه‌های دنیا شروع گردید، و رفته رفته رو به پیشرفت است، و این روزها ما شاهد هستیم که بینوایان و چوپانان و پا برهنه گان در بنای ساختمان‌های مجلل و بلند بر یکدیگر سبقت می‌جویند و فخر می‌فروشند.

در حدیث جبرئیل چنین آمده:

 **«** ... من تو را از نشانه‌های قیامت آگاه می‌سازم، هنگامی که چوپانان در ساختمان سازی بر یکدیگر سبقت بجویند و فخر فروشی کنند...**»**([[52]](#footnote-52)).

و در روایت امام مسلم:

**«**افراد لخت و پا برهنه گان و بینوایان گوسفند چران‌ها در ساخت و ساز و بلندی آن به یکدیگر فخر بفروشند**»**([[53]](#footnote-53)).

17- کنیز مالک و آقای خود را بزاید:

در دنباله حدیث جبرئیل چنین آمده است:

**«** ... من تو را از نشانه‌های قیامت آگاه می‌سازم، هرگاه کنیز آقا و بانوی خود را بزاید**»**([[54]](#footnote-54)).

علماء درباره شرح این حدیث اقوال و آراء مختلفی دارند.

امام ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

چنین است که نافرمانی پدر و مادر زیاد می‌شود، آنگاه فرزند با مادرش رفتار آقا با کنیز پیش می‌گیرد، و او را اهانت می‌کند، دشنام می‌دهد و او را می‌زند و مانند خدمتکار از وی کار می‌کشد([[55]](#footnote-55)).

آری، این علامات و نشانی نیز امروزه بخوبی بچشم می‌خورد، که دختران چنان با مادرانشان بر خورد می‌کنند، که در زمان قدیم آقا و سید با کنیز و نوکر خودش بر خورد می‌کرد، و در نظر اینگونه دختران نافرمان، مادران بیچاره، در منزل مانند یک خدمتکاری، بیش نیستند.

ولی باید دانست که خوشنودی خداوند در خوشنودی پدر و مادر است، کسی که پدر و مادرش را رنجانید، خداوند هرگز از وی راضی نمی‌شود.

سعدی شاعر شیرین سخن چنین می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چه خوش گفت زالی بفرزند خویش |  | چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن |
| گر از عهد خردیت یاد آمدی |  | که بیچاره بودی در آغوش من |
| نکردی درین روز بر من جفا |  | که تو شیر مردی و من پیرزن |

18- قتل و کشتار زیاد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت، کثرت قتل و کشتار می‌باشد، در حدیث ابو هریره آمده است که رسول خداص فرمودند:

 **«**قیامت وقتی بر پا می‌شود که «هرج» زیاد شود**»**

عرض شد: یا رسول الله ! «هرج» چیست؟

فرمودند: **«**قتل، قتل**»**([[56]](#footnote-56)).

و در حدیث دیگر می‌فرماید:

 **«**قسم به آن ذاتی که جانم در دست اوست، دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه بر مردم زمانی بیاید که قاتل نمی‌داند برای چه فرد را کشته، و نه مقتول می‌داند برای چه کشته شده است**»**.

پرسیده شده: ای رسول خداص این چگونه می‌شود؟

فرمودند:

**«**(هرج) فتنه، قاتل و مقتول هر دو در دوزخند**»**([[57]](#footnote-57)).

آنچه پیامبر گرامیص دربارۀ وقوع حوادث و فتنه‌های تاریک، پیشگوئی فرموده بودند، برخی از آن‌ها در عهد صحابه بعد شهادت حضرت عثمان، واقع گردید، و تا به امروز بر اثر فتنه و آشوب و جنگ‌های داخلی و خارجی و وجود اسلحه‌های خطرناک، در هر روز هزاران انسان کشته می‌شوند، و ارزش انسان آنقدر کم گردیده، که مانند یک گوسفند ذبح می‌شود.

19- پدیدار شدن شرک در این امت:

ثوبانس می‌فرماید:

رسول خداص فرمودند:

**«**هرگاه شمشیر بر امتم گذاشته شد، تا روز قیامت برداشته نمی‌شود، و قیامت هنگامی بر پا می‌شود که قبیله‌های از امتم به مشرکین بپیوندند، وآن زمانی که قبایلی از امتم بت‌ها را پرستش نمایند**»**([[58]](#footnote-58)).

این نشانی، از نشانه‌های است که برخی از نمونه‌های آن پدیدار شده است و افرادی، از امت بت پرست شده و به مشرکین پیوسته‌اند، و شرک تنها در عبادت سنگ و چوب خلاصه نمی‌شود، بلکه تقدیس افراد و طواغیت، و همچنین کنار گذاشتن دستورات دین خداوند نیز شامل است.

حضرت عایشهل می‌فرماید:

شنیدم که رسول خداص می‌فرماید:

**«**شب و روز به پایان نمی‌رسد (یعنی قیامت بر پا نمی‌شود) تا اینکه لات و عزی پرستش شود**»**.

آنگاه من عرض کردم:

ای رسول خدا من چنین تصوری می‌کردم هنگامی که خداوند این آیه را نازل فرمود:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٣٣﴾ [التوبة: 33]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت ودین حق فرستاد، تا آن را بر همۀ دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند». برای همیشه و تمام است.

 فرمودند:

**«**تا زمانی که خداوند خواسته باشد چنین خواهد بود، سپس خداوند نسیم پاکیزه‌ای می‌فرستد، آنگاه کسی که به اندازه خردل ایمان در دل دارد، قبض روح می‌کند، پس کسانی که هیچ خیری در آن‌ها نیست باقی می‌مانند در آن صورت آن‌ها به دین نیاکان خود بر می‌گردند**»**([[59]](#footnote-59)).

20- نزدیک شدن زمان (کم شدن فاصله‌ها):

ابو هریرهس روایت می‌کند که رسول خدا فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه زمان به هم دیگر نزدیک شود**»**([[60]](#footnote-60)).

و انس بن مالکس روایت می‌کند که رسول خداص فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمان (و فاصله‌ها) به همدیگر نزدیک گردد، آنگاه سال مانند یک ماه، و یک ماه مانند یک هفته، و هفته مانند یک روز، و یک روز مثل یک ساعت، و یک ساعت، به اندازه سوزاندن یک برگ درخت خرما خواهد بود**»**([[61]](#footnote-61)).

علما در بارۀ نزدیک شدن زمان آرای مختلفی دارند، برخی می‌گویند:

 منظور از نزدیک شدن، کم شدن برکت اوقات می‌باشد.

امام ابن حجرعسقلانی می‌گوید:

«بدرستی که در زمان ما این محسوس است، که می‌بینم زمان و وقت خیلی زود و با سرعت می‌گذرد، در حالی که در عصر و قرن گذشتگان چنین نبود»([[62]](#footnote-62)).

امام خطابی می‌گوید:

 این در زمان حضرت مهدی و حضرت عیسی علیهما السلام خواهد بود، چون که مردم در ناز و نعمت زندگی می‌کنند، و در امن و عدالت و آسایش هستند، و معمولاً چنین ایام خوشی هرچند که طولانی باشد مردم آن راکم می‌پندارند، و ایام سختی اگر چه کم باشد، آن را زیاد می‌بیند([[63]](#footnote-63) ).

برخی دیگر از علماء معتقدند، که منظور از نزدیک شدن زمان، ایجاد وسائل ارتباط جمعی، و همچنین وجود وسائط نقلیه مختلف، از قبیل هواپیما و کشتی‌ها و قطارهای سریع السیر است که با سرعت زیادش مسافت‌های دور را نزدیک گردانیده است.

و شاید نیز منظور از نزدیک شدن، نزدیکی حقیقی باشد و زمان کوتاه شود([[64]](#footnote-64)).

21- نزدیک شدن بازارها:

ابوهریرهس روایت می‌کند که رسول خداص فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه فتنه‌ها آشکار گردد، و دروغ بسیار شود، و بازارها نزدیک گردد**»**([[65]](#footnote-65)).

امروزه ما مشاهده می‌کنیم که چگونه بازارهای جهان به همدیگر نزدیک شده است.

هم از نظر قرب مادی و ظاهری و هم از نظر اینکه با ایجاد و اختراع وسائل جدید، از قبیل تلفن و موبایل و اینترنت، دسترسی به اکثر بازارهای دنیا آسان و میسر گردیده است.

 22- زیاد شدن دروغ:

دروغ یکی از صفات رذیلۀ اخلاقی است، که دین مبین اسلام از آن بشدت نهی فرموده است، بنابراین برای شخص مسلمان جایز نیست که دروغ بگوید گر چه برای مسخره و شوخی باشد، زیرا که در حدیث آمده است:

**«**وای بر آن شخص که سخنی بدروغ می‌گوید، تا اینکه مردم را بخنداند، وای بر او، وای بر او**»**([[66]](#footnote-66)).

پس دروغ گفتن جایز نیست، و از نشانه‌های قیامت است.

پیامبر اسلامص در حدیث چنین فرموده است:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه علم گرفته شود و فتنه‌ها آشکار گردد، و دروغ بسیار شود...**»**([[67]](#footnote-67)).

23- زیاد شدن تجارت:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست که تجارت و کار و بار زیاد می‌شود، و همه مشغول بازار و تجارت می‌گردند، تا جای که زنان نیز دوش به دوش مردان در تجارت و بازار مشارکت می‌نمایند.

در حدیث آمده است:

**«**قبل از قیامت تجارت زیاد و عام می‌گردد، تا جای که زن در تجارت با شوهرش مشارکت می‌کند**»**([[68]](#footnote-68)).

در حدیث دیگر آمده است:

**«**از نشانه‌های قیامت اینست که مال و دارائی بسیار گردد، و تجارت عام شود**»**([[69]](#footnote-69)).

ما امروزه این سخن و پیش گوی پیامبرص را مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه تجارت زیاد شده و زنان نیز دوش به دوش مردها در بازارها، به خرید و فروش مشغول هستند.

24- آزمندی و بخل زیاد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست که مردم هر چه مال و دارائی آن‌ها بیشتر گردد به طمع و بخل آنان نیز افزده می‌گردد، دین مبین اسلام پیروانش را به انفاق و خرج کردن در راه خدا ترغیب و تشویق نموده است، و فرموده، انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که فرد محتاجی را نیابید که به وی صدقه دهید.

حضرت ابو هریره از رسول خداص روایت می‌کند که فرمودند:

**«**از نشانه‌های قیامت اینست که بخل و آزمندی بسیار گردد**»**([[70]](#footnote-70)).

علماء می‌گویند:

در طول تاریخ بخل وجود داشته و افراد بخیل همیشه بوده‌اند ولی در قرب قیامت چنین بین مردم زیاد می‌شود، بطوری که یکدیگر را به عدم انفاق و دست نگه داشتن، و بخل ورزیدن، سفارش می‌کند.

امام ابن حجر می‌فرماید:

این نوع بخل در هر چیزی دیده می‌شود، بطوری که عالم در تعلیم علم و فتوا دادن بخل می‌ورزد، صنعت گر در صنعتش، و حاضر نیست به کسی بیاموزد، و شخص غنی و توانگر نیز با مال خودش بخل می‌ورزد، تا اینکه فقیر از بین برود، و از گرسنگی هلاک شود([[71]](#footnote-71)).

25- زلزله‌های بسیار:

هر چند که امروزه دانشمندان برای زلزله، تفسیر و تحلیلهای طبیعی ارائه می‌دهند، که بر اثر فعل و انفعالات بوقوع می‌پیوند، شکی نیست بر خشم و غضب الهی دلالت دارد، و برای انسان‌ها همانند یک زنگ و آژیر خطری است تا اینکه از خواب و غفلت بیدار شده و بخود آیند، پس بنابراین زلزله، برای مؤمنان پند و عبرتی است برای عاصیان و نافرمانان شکنجه و عذابی است.

حضرت رسول اللهص فرمودند:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه زمین لرزه‌های بسیار رخ دهد**»**([[72]](#footnote-72)).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

 **«**قبل از قیامت مرگ و میر بسیار خواهد بود، و بعد از آن سال‌های پر زلزله خواهد آمد**»**([[73]](#footnote-73)).

امام حجر عسقلانی در فتح الباری شرح صحیح بخاری می‌نویسد:

 بدرستی که زمین لرزه‌های بسیاری در سرزمین‌های شمال و مشرق و مغرب، صورت گرفته است، و لیکن ظاهراً آنچه مراد این حدیث است، اینست که زیاد و همه جا و پی در پی باشد([[74]](#footnote-74)).

26- آرزو و تمنای مرگ کردن:

هنگامی که فتنه، و آشوب و بلاها، و گرانی، از هر سو به انسان هجوم می‌آورد، در این صورت فرد برای فرار از عذاب و شکنجه دنیوی آرزوی مرگ می‌کند، شخص مؤمن وقتی که می‌بیند باطل و اهل باطل، غالب هستند و معاصی و منکرات عام شده بخاطر، اینکه مبادا در فتنه قرار بگیرد، و بر ایمان و دین خودش هراس و ترس دارد، بدین خاطر تمنای مردن را می‌نماید؛ و افراد کافر و عصیانگر بخاطر فتنه، و سختی دنیا، آرزوی مرگ را می‌کنند.

رسول خداص می‌فرماید:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه فرد بر قبر شخص گذر کند و بگوید: ای کاش من جای آن بودم**»**([[75]](#footnote-75)).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

**«**قسم بذاتی که جانم در دست اوست، عمر دنیا به پایان نمی‌رسد، تا اینکه شخص بر قبر گذر نماید، پس صورت خودش را بر آن قبر بگذارد، و بگوید: ای کاش من جای صاحب این قبر بودم، و این آرزویش، و بخاطر دین و ایمانش نیست بلکه بخاطر بلا و سختی است**»**([[76]](#footnote-76)) .

در مسند احمد چنین روایت شده:

**«**آرزوی او بخاطر دوست داشتن لقاء الله نیست**»**([[77]](#footnote-77)).

پس دانستیم که اهل ایمان بخاطر ترس از ایمانشان، و اهل باطل و معصیت بخاطر سختی و مشکلات زندگی آرزوی مرگ می‌کنند.

27- بارندگی بسیار و رویش کم گیاهان:

باران رحمت خداوند است که با باریدنش طبیعت مرده را دوباره زنده می‌گردد، و همه چیز شاداب می‌شود، در قرب قیامت چنین می‌شود که بارندگی صورت می‌گیرد اما این باران، باران رحمت و رویش گیاه نخواهد بود بلکه عذاب و شکنجه خواهد بود.

صحابی بزرگوار ابوهریرهس روایت می‌کند که رسول خداص فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا زمانی که باران شدیدی ببارد، بطوری که تمام خانه‌های گلی، نتواند در مقابل آن استقامت کند، و جز خانه‌های که از پشم بافته شده از آن باران محفوظ نمی‌ماند**»**([[78]](#footnote-78)).

و حضرت انسس روایت می‌کند که رسول خداص فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه باران بسیار ببارد، ولی زمین چیزی را نرویاند**»**([[79]](#footnote-79)).

و در حدیث دیگر ابو هریرهس چنین روایت می‌کند که رسول خداص می‌فرماید:

**«**قحط سالی این نیست که باران نبارد، لیکن قحط سالی حقیقی اینست که باران ببارد و ببارد، ولی زمین چیزی را نرویاند**»**([[80]](#footnote-80)).

28- مسخ شدن چهره‌ها و پدیدار شدن خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پر تاب سنگ از آسمان)

عبدالله بن عمروب روایت می‌کند که رسول خداص فرمود: **«**در امتم مسخ (چهره‌ها)، و خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پرتاب سنگ از آسمان) خواهد بود**»**([[81]](#footnote-81)).

ام المؤمنین عایشهل می‌گوید: رسول خداص فرمود:

«در آخراین امت؛ خسف و مسخ و قذف، خواهد بود».

 عایشه می‌گوید:

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا در حالی که نیکان در میان ما هستند، باز هم هلاک می‌شویم؟

فرمود:

**«**آری هرگاه زشتی (و پلیدی) آشکار گردد**»**([[82]](#footnote-82)).

عبدالله بن مسعودس از رسول خدا روایت می‌کند که فرمود:

**«**پیش از وقوع قیامت؛ مسخ و خسف و قذف خواهد بود**»**([[83]](#footnote-83)).

در حدیث دیگر رسول خداص فرموده است:

**«**هرگاه شنیدید که لشکری در زمین فرو رفته است، بدانید که وقوع قیامت نزدیک است**»**([[84]](#footnote-84)).

در قرن‌های گذشته در برخی از نقاط جهان در شرق و غرب خسف صورت گرفته است([[85]](#footnote-85)). همچنین در عصر حاضر در جاهای مختلفی از کره خاکی خسف رخ داده است، و این یک هشداری از طرف خداست، شاید انسان‌های نافرمان و عاصی به سوی خدا باز گردند و توبه کنند.

گفتنی است که خسف و دگرگونی و مبدل شدن چهره‌ها به بوزینه و خوک و همچنین سنگ باران؛ عقوبتی است که خداوند بر شراب خواران و عصیانگران می‌فرستد.

در حدیث دیگر چنین آمده:

**«**گروهی از امت من شراب را می‌نوشند و آن را به نام دیگری می‌نامند، در حالی که رقاصان و ترانه خوانان بر سر آن‌ها موسیقی می‌نوازند و ترانه می‌خوانند، خداوند آن‌ها را در زمین فرو می‌برد، و برخی از آن‌ها را به بوزینه و خوک تبدیل می‌کند**»**([[86]](#footnote-86)).

29- زنان پوشیده‌ی عریان

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست؛ که زنان از پوشش و لباس اسلامی بیرون آیند، و طرزی لباس بپوشند که بدنشان ظاهر و نمایان باشد.

عبدالله بن عمروب روایت می‌کند که شنیدم رسول خداص می‌فرمود: «در آخر امت من مردانی خواهند بود، که بر مرکب‌های سوار می‌شوند..، کنار دروازه‌های مساجد پیاده می‌شوند، زنانشان (کاسیات عاریات) اند، با وجود اینکه لباس پوشیده‌اند لخت هستند.

(موهای آنان) بر سرشان مانند کوهان شتر است،آنان را لعنت کنید که ملعون هستند...**»**([[87]](#footnote-87)).

در حدیث دیگر فرموده است:

**«**از نشانه‌های قیامت اینست؛ که لباس‌های آشکار می‌شود، که زنان آن را می‌پوشند، که با وجود پوشش لخت هستند**»**([[88]](#footnote-88)).

این احادیث از معجزات رسول خداص بشمار می‌آید، زیرا چنان‌که پیشگوئی فرموده بودند واقع گردیده است.

**«**کاسیات عاریات**»** با وجود لباس لخت بودن؛ دو معنا و مفهوم دارد:

 یکی اینست که شفاف و نازک باشد.

دوم اینکه تنگ و چسپیده به بدن باشد.

در هر دو صورت پوشش و حجاب رعایت نشده است.

30- کم شدن افراد صالح

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت؛ کم شدن افراد صالح می‌باشد، بطوری که افراد صالح و نیکوکار وفات می‌کنند، و افراد شرور و بدکار باقی می‌مانند، و بر آنان قیامت بر پا می‌شود.

در حدیث آمده است:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانیکه خداوند اهل خیر و افراد صالح از روی زمین بر دارد، آنگاه مردمانی پست باقی بمانند که نه کار معروفی را می‌شناسند و نه کار زشتی را انکار می‌کنند ...**»**([[89]](#footnote-89)).

31- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست؛ که تعداد مردها کم شود، و تعداد زنان افزوده گردد.

انس بن مالکس می‌گوید:

 رسول خداص فرمود:

**«**از نشانه‌های قیامت: اینکه علم (دین) کم شود، و جهل و نادانی زیاد گردد، و زنا آشکار شود، و زنان بسیار گردند، و مردها کم شوند، طوری که یک مرد سرپرستی پنجاه زن را بعهده دارد**»**([[90]](#footnote-90)).

گفتنی است که؛ مراد از **«**پنجاه**»** حقیقت عدد نیست بلکه هدف کثرت است، زیرا که در حدیث دیگر آمده:

«...ويری الرجل الواحد يتبعه أربعون امرأة يعذن به...».

**«** ... یک مرد دیده می‌شود که 40 زن همراه اویند و به او پناه می‌آورند...**»**([[91]](#footnote-91)).

32- مرگ ناگهانی (و سکته)

مرگ ناگهانی یکی از نشانه‌های قیامت است؛ که امروزه بسیار دیده می‌شود، که فرد سالم و تندرست و بدون هیچگونه ناراحتی ناگهانی فوت می‌کند، و در عصر امروز بنام سکته قلبی نامیده می‌شود.

انس بن مالکس روایت که رسول خداص فرمود:

**«**از نشانه‌های قیامت ... اینکه مرگ ناگهانی بسیار گردد**»**([[92]](#footnote-92)).

33- قطع رحم و بریدن پیوند خویشاوندی

دین اسلام درباره رعایت حقوق ذو الأرحام سفارشات بسیاری دارد؛ خداوند چنین وعده کرده است: **«**کسی که صله خویشاوندی را پیوند نماید، خدا او را به خودش وصل نماید، و کسی که صله خویشاوندی را قطع کند، خداوند او را از خود ببرد**»**.

و در حدیث آمده:

 **«**قاطع رحم به بهشت وارد نمی‌‌شود**»**([[93]](#footnote-93)).

پس قطع نمودن روابط خویشاوندی از نشانه‌های قیامت بشمار می‌آید؛ که امروزه بخاطر مال دنیا و سر گرم شدن مردم به تجارت بسیار شده است، ماه‌ها و سال‌ها می‌گذرد، از همدیگر خبری ندارند، و کسی حق خویشاوندی بجای نمی‌آورد.

عبدالله بن عمروب از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

عبدالله بن عمروب از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود: **«**قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که زشتی و بی‌حیایی و قطع رحمی ... آشکار و عام شود**»**([[94]](#footnote-94)).

عبدالله بن مسعودس روایت کرده است؛ که رسول خداص فرمود:

**«**پیش از قیامت تجارت و قطع پیوند خویشاوندی... خواهد بود**»**([[95]](#footnote-95)).

34- سر زمین عرب دوباره سر سبز و خرم می‌شود

ابو هریرهس از رسول گرامیص روایت می‌کند که فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه سر زمین عرب دوباره سرسبز و دارای باغ‌ها و نهرها گردد**»**([[96]](#footnote-96)).

چنان‌که واضح است سرزمین عرب؛ کوهستان، صحرا، دشت، و ریگستان می‌باشد، اما در قرب قیامت سر سبز می‌شود و به باغستان‌های زیبا تبدیل می‌گردد.

و از این حدیث فهمیده می‌شود که در ایام گذشته بسیار دور سر زمین عرب سر سبز و دارای نهرهای جاری و باغستان‌های زیبا بوده، که قبل از قیامت دوباره بحالت اول خود بر می‌گردد.

35- سخن گفتن درندگان و جمادات با انسان

یکی دیگراز نشانه‌های قیامت که رسول خداص برای امت بیان فرموده اینست؛ که جانوران درنده و وحشی، و همچنین جمادات، از چوپ و کفش و غیره با انسان سخن می‌گوید.

ابوسعید خدریس روایت می‌کند رسول خداص فرمود:

**«**قسم به ذاتی که جانم در دست اوست قیامت بر پا نمی‌شود؛ تا اینکه درندگان با انسان‌ها سخن بگویند، و شلاقش و بنده کفشش با او سخن بگوید**»**([[97]](#footnote-97)).

36- از نهر فرات کوه طلا نمایان می‌شود

ابو هریرهس روایت می‌کند که رسول خداص فرمود:

**«**قیامت آنوقت بر پا می‌شود؛ که فرات کوهی از طلا را نمایان کند، مردمان بسیاری برای بدست آوردن آن با یکدیگر می‌جنگند، از هر صد نفری 99 نفر کشته می‌شود، و هر که می‌گوید: کاش من همانا یک نفر می‌بودم**»**([[98]](#footnote-98)).

در روایت دیگر آمده:

**«**نزدیک است که فرات گنجی از طلا را آشکار نماید، پس کسی که آنجا حاضر بود چیزی بر ندارد**»**([[99]](#footnote-99)).

این نشانی هنوز آشکار نشده، هر چند که برخی معتقد هستند که مراد از طلا، نفت است، ولی همه می‌دانند که نفت طلا نیست، و در لفظ حدیث: **«**کوه طلا**»** آمده است.

37- خروج قحطانی

در آخر الزمان فردی از قبیله قحطان خارج می‌شود؛ حکومت و رهبری امت را بدست می‌گیرد.

ابوهریرهس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که مردی از قبیله قحطان خروج کند، و مردم را با عصا براند**»**([[100]](#footnote-100)).

برای جمله **«**مردم را با عصا می‌راند**»** دو معنا ذکر شده:

 یکی خشونت و قسوت او را می‌رساند.

 دومی اینکه مردم مطیع و فرمان بردار او هستند([[101]](#footnote-101)).

همچنین شخصی دیگر نیز بنام «جهجاه» پادشاه و حاکم می‌شود.

 رسول خداص می‌فرماید:

**«**زمان (شب و روز) پایان نمی‌پذیرد؛ تا اینکه فردی از موالی (غلامان آزاد شده) که به او جهجاه گویند، حاکم و پادشاه شود**»**([[102]](#footnote-102)).

و این شخص غیر از قحطانی است، زیرا که قحطانی منسوب به قبیله قحطان از یمن است، و درباره جهجاه آمده که از غلامان می‌باشد([[103]](#footnote-103)).

نشانه‌های بزرگ قیامت

ما در بخش گذشته برخی از نشانه‌های کوچک (صغری) قیامت را با ذکر دلیل بیان نمودیم، در این بخش از کتاب به ذکر نشانه‌های بزرگ (کبری) قیامت می‌پردازیم:

حذیفة بن اسید غفاریس روایت می‌کند که روزی ما اصحاب رسول خداص درباره قیامت گفتگو می‌کردیم که رسول خداص بر ما وارد شدند، و پرسیدند:

**«**درباره چه گفتگو می‌کنید؟**»**

عرض کردیم: درباره قیامت.

 فرمودند:

**«**قیامت بر پا نخواهد شد تا زمانی که قبل از آن ده نشانی ببینید**»** آنگاه این‌ها را ذکر نمود:

1- دود 2- دجال 3- دابه (جنبنده) 4- طلوع خورشید از مغرب 5- نزول حضرت عیسی (از آسمان) 6- یأجوج و ماجوج 7- سه خسف (فرو رفتن در زمین) یکی در مشرق 8- دیگری در مغرب9- سومی در جزیرة العرب 10- و آخرین نشانه‌ها آتشی است که از سرزمین یمن بیرون می‌شود، و مردم را بطرف سرزمین محشر سوق می‌دهد([[104]](#footnote-104)).

گفتنی است که نشانه‌های که در این حدیث ذکر شده بر حسب ترتیب وقوع آن‌ها نیست، اما نشانه‌های بزرگ قیامت چنین است که وقتی یکی ظاهر گردید، دیگری در پی آن خواهد آمد.

عبدالله بن عمرب از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**نشانه‌های قیامت گویا مهره‌های یک گردنبند هستند؛ که در یک زنجیر قرار دارند، هرگاه زنجیر بریده شود، مهره‌ها یکی بعد از دیگری بیرون می‌آید**»**([[105]](#footnote-105)).

امام ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد:

به راستی که (در احادیث) ثابت شده است که نشانه‌های قیامت مانند زنجیری است که بریده گردد، و مهره‌های آن با سرعت ریخته و منتشر شود([[106]](#footnote-106)).

در حدیثی که عبدالله بن عمروب از پیامبرص روایت کرده آمده است:

«إن أول الآيات خروجاً طلوع الشمس من مغربها وخروج الدابة علی الناس ضحی و أيهما ما کانت قبل صاحبها، فالآخری علی إثرها قريباً. اولین نشانه‌های که ظاهر می‌گردد؛ طلوع آفتاب از مغرب است، و خروج دابه (جنبنده) بر مردم در هنگام ظهراست، و هر کدام این‌ها پیشتر از دیگری بود، آن دیگری در پی آن نزدیک خواهد بود**»**([[107]](#footnote-107)).

امام احمد بن حجر عسقلانی می‌گوید:

آنچه که از روایات می‌توان ترجیح داد اینست که:

خروج دجال اولین علامت بزرگی است که ما را به تغییر و دگرگونی عظیمی در زمین خبر می‌دهد، و این تغییر با وفات حضرت عیسی بن مریم خاتمه می‌یابد، و همانا طلوع آفتاب از سمت مغرب اولین آیات بزرگی است که ما را از تغییر و دگرگونی در عالم علوی خبر می‌دهد، و این با بر پا شدن قیامت به پایان می‌رسد، و شاید خروج دابه (جنبنده) در همان روزی باشد که آفتاب از مغرب طلوع می‌کند([[108]](#footnote-108)).

ابو عبدالله حاکم می‌گوید:

آنچه بنظر می‌رسد اینست؛ که طلوع آفتاب پیش از خروج دابه (جنبنده) است، آنگاه دابه در همان روز یا روزی دیگر نزدیک آن خارج می‌شود([[109]](#footnote-109)).

اما بقیه نشانه‌ها (خسوف سه گانه و دود...) چنان‌که ذکر کردیم ترتیب آن‌ها را نمی‌دانیم و نص صحیحی در این زمینه وجود ندارد.

ظهور مهدی

مهدی یکی از نشانه‌های قیامت است که در آخر زمان بعد از اینکه دنیا پر از ظلم و جور و فساد گردید، ظهور می‌کند و هفت سال در زمین حکومت می‌نماید، و دنیا را پر از عدل و داد می‌نماید.

 در ایام مبارکه ایشان آسمان و زمین از برکات خود چیزی دریغ نمی‌کنند.

 امام ابن کثیر/ می‌گوید:

در زمان او میوه‌ها بسیار و کشت و زرع فراوان خواهد بود، و اموال به وفور یافت می‌شود، و سلطان (حکومت) غالب و چیره است، و دین قائم و پا بر جا است.

و دشمنان شکست خورده هستند و خیر و نیکی در زمانش مستمر است([[110]](#footnote-110)).

عبدالله بن مسعودس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که فردی از اهل بیت من؛ که نامش همانند نام من است، بر عرب حاکم شود**»**([[111]](#footnote-111)). و در روایت دیگر آمده:

**«**لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلك الیوم...اگر از عمر دنیا بجز یک روز باقی نباشد، خداوند آن یک روز را طولانی می‌گرداند، تا فردی از اهل بیتم که نامش همانند نام من است بر مردم حاکم شود**»**([[112]](#footnote-112)).

امیر المؤمنین علیس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند فردی از اهل بیتم را می‌فرستد، تا همچنان که دنیا پر از ظلم و جور شده، پر از عدل نماید**»**([[113]](#footnote-113)).

احادیثی که درباره مهدی روایت شده بسیار است([[114]](#footnote-114)) و علماء آن‌ها را در زمره احادیث متواتر ذکر می‌نمایند([[115]](#footnote-115)).

خروج دجال

خروج دجال یکی از نشانه‌های عظام و بزرگ قیامت است، و فتنه و آزمایشی است که خداوند بندگانش را در دنیا مبتلا می‌سازد، تا خالص از ناخالص جدا گردد، چه فتنه‌ای بزرگ‌تر از این که مخلوقی ادعای خدای کند؟!.

خداوند بر دست او خوارق العاداتی ظاهر گرداند، و آمدن دجال زمانی خواهد بود که قحط سالی همه جا فرا گرفته، مردم گرسنه هستند، بارانی از آسمان نمی‌بارد، گیاهی سبز نمی‌شود، در آن هنگام مسیح دجال خروج می‌کند.

و ادعای خدای دارد، به آسمان می‌گوید: باران ببار، سپس می‌بارد، به زمین می‌گوید:

گیاه برویان، زمین می‌رویاند، ولی بدان ای مسلمان؛ که او دجال کذاب است، و در این دنیا تا زنده هستی، پروردگارت را نخواهی دید، و هرگز نباید فراموش کرد، که دجال یک چشمش کور است، و پروردگارت کور نیست، تمام پیامبران† امت‌های خود را از او برحذر داشته‌اند، و رسول اکرمص نیز در احادیث بسیاری ما را از فتنه دجال بر حذر داشته، و صفات او را برایمان بیان کرده است، «و همیشه در نمازش؛ از شر فتنه دجال، به خدا پناه می‌برد» ([[116]](#footnote-116)).

و فرموده‌اند که: **«**هرگاه از تشهد فارغ شدید، از چهار چیز به خدا پناه بخواهید: از عذاب جهنم، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و مرگ، و از شر مسیح دجال**»**([[117]](#footnote-117)).

و همچنین فرموده:

**«**هر کس ده آیه آخر سوره کهف را بخواند از فتنه دجال محفوظ می‌ماند**»**([[118]](#footnote-118)).

و در برخی الفاظ: **«**از اول سوره کهف**»** آمده است.

دجال: یعنی بسیار دروغگو، تلبیس کننده، و دجال فردی است از بنی آدم که دارای صفات مخصوص است که در احادیث ذکر شده است، و در آخر الزمان خارج می‌شود، ما در اینجا پاره ای از آن روایات را ذکر خواهیم کرد.

1. سمرة بن جندبس روایت می‌کند رسول خداص فرمود: **«**قسم به خدا قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه سی نفر دروغگو خارج شوند، و آخرین آن‌ها دجال یک چشم است که چشم چپ او کور است**»**([[119]](#footnote-119)).
2. و در حدیث حذیفهس آمده است:

 **«**دجال چشم چپش کور است، و موهایش بسیار است، با او بهشت و دوزخ است، پس دوزخش بهشت، و بهشتش دوزخ است**»**([[120]](#footnote-120)).

3- و در حدیث انسس آمده است، که رسول خداص فرمود:

**«**چشم او کور است، و پروردگار شما کور نیست، میان پیشانی او کافر نوشته شده است**»**([[121]](#footnote-121)).

و در برخی الفاظ آمده:

 آنگاه رسول خداص (ک ف ر) را حرف، حرف خواندند، و فرمودند: **«**هر مسلمانی آن را می‌خواند**»**([[122]](#footnote-122)).

گفتنی است که درباره اوصاف چشم دجال آمده که: چشم راستش کور است، و مانند دانه انگور بیرون آمده، و درباره چشم چپش آمده که کور است، برخی روایاتی که درباره **«**چشم راست**»** آمده ترجیح می‌دهند.

 قاضی عیاض می‌گوید:

هر دو چشمان دجال معیوب است، و همه‌ی روایات صحیح است([[123]](#footnote-123)).

4- در صحیح مسلم: حدیثی طولانی از فاطمه بنت قیسل، روایت شده که رسول خداص مردم را جمع نمود، سپس سخنرانی فرمود، و در آن آمده:

**«**تمیم داری که قبلاً نصرانی بوده، مسلمان شده، و درباره دجال حکایتی برایم گفته است، همانند آنچه که من برای شما بیان کرده بودم**»**.

در این حدیث آمده که: تمیم داری هنگامی که در دریا بودند، طوفانی شدند، و به جزیره‌ای نامعلوم رفتند، و در آنجا انسان قوی هیکلی را دیدند، که دستانش مقید و با زنجیر به گردنش بسته شده، و پاهایش نیز، و میان هر دو زانوهایش با آهن قفل زده شده است، آنگاه او از آنان درباره اخبار عرب، پیامبر آنان پرسید، سپس از نخل بیسان، و دریاچه طبریه، و از چشمه زغر پرسید.

 سپس به آنان گفت:

من مسیح دجال هستم، و نزدیک است که به من اجازه خروج داده شود، در همه‌ی سرزمین‌ها جز مکه و طیبه سیر می‌کنم، این دو شهر بر من حرام است؛ هرگاه قصد رفتن به آنجا نمایم، فرشتگان مرا از آنجا دور می‌کنند...([[124]](#footnote-124)).

مکان خروج دجال:

در باره‌ی مکان خروج دجال، روایتی آمده است که: **«**دجال از سر زمین مشرق؛ جای که آن را خراسان می‌نامند بیرون می‌شود**»**([[125]](#footnote-125)).

و در روایت دیگر: **«**از یهودیه اصفهان خارج می‌شود، و هفتاد هزار از یهود اصفهان او را بدرقه و همراهی می‌کنند**»**([[126]](#footnote-126)).

مدت مکث و ماندنش در زمین:

نواس بن سمعانس روایت می‌کند که رسول خداص روزی درباره دجال صحبت فرمودند، و آنقدر ما را بر حذر داشتند، که ما گمان کردیم، که اکنون دجال در گوشه‌ای از نخلستان است.

در دنباله همین حدیث آمده:

 ما از رسول خداص پرسیدیم:

 ای رسول خدا ص، او چه مقدار در زمین می‌ماند؟

فرمودند: **«**چهل روز، که یک روز آن مانند سال است، و یک روز دیگر آن مانند یک ماه است، و یک روز دیگر آن مانند یک هفته می‌باشد، و باقی روزهایش مانند روزهای عادی شماست...**»**([[127]](#footnote-127)).

هلاکت و قتل دجال

دجال بعد از اینکه در همه سرزمین‌ها، - بجز مکه و مدینه- می‌رود، و مردم را به فتنه می‌اندازد، و هیچ کس جز مؤمنان مخلص از شر فتنه او مصون نمی‌مانند، و بعد از چهل روز، سر انجام در سرزمین فلسطین در بیت المقدس نزد باب لد([[128]](#footnote-128)) بدست حضرت عیسی÷ هلاک می‌شود.

در حدیث آمده است:

**«**هنگامی که دجال، عیسی بن مریم را می‌بیند، مانند نمک که در آب ذوب می‌شود، او ذوب می‌گردد، حضرت عیسی به دنبالش می‌رود و او را تعقیب می‌کند، و او را به قتل می‌رساند، تا اینکه درخت و سنگ ندا می‌دهد: ای روح الله! اینجا یهودی است، و عیسی÷ همه‌ی پیروان او را نیز می‌کشد**»**([[129]](#footnote-129)).

در حدیث دیگر رسول خداص می‌فرماید:

**«**عیسی÷ دجال را نزد باب لد بقتل میرساند**»**([[130]](#footnote-130)).

و بعد از کشته شدن دجال؛ بدست عیسی مسیح، و از بین رفتن پیروانش فتنه‌ها پایان می‌پذیرد.

نزول حضرت عیسی÷ از آسمان

حضرت عیسی بن مریم÷ اکنون زنده است، و در آسمان است، او نمرده، و به دار آویخته نشده، چنان‌چه نصار معتقد هستند، بلکه خداوند او را زنده به آسمان برده است.

﴿وَقَوۡلِهِمۡ إِنَّا قَتَلۡنَا ٱلۡمَسِيحَ عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينَۢا١٥٧ بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيۡهِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا١٥٨﴾ [النساء: 157-158]. «و (نیز) بخاطر این گفته شان که «ما مسیح، عیسی پسر مریم پیامبر خدا را کشتیم». در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند، لکن امر بر آن‌ها مشتبه شد، و هر آینه آنان که در (باره‌ی قتل) او اختلاف کردند، قطعاً از آن در شک هستند، و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و به یقین او را نکشته‌اند. بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد، و خداوند پیروزمند حکیم است»

و طبق احادیث صحیحه متواتره او قبل از قیامت از آسمان فرود می‌آید، نه بصفت اینکه پیامبری مرسل است، بلکه او یکی از پیروان و امتیان محمد مصطفیص می‌باشد، و پشت سر حضرت مهدی نماز ادا می‌کند([[131]](#footnote-131)).

و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِن مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهِۦ قَبۡلَ مَوۡتِهِۦۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا١٥٩﴾ [النساء: 159]. «و (کسی) از اهل کتاب نیست مگر این که قبل از مرگش به او (= حضرت عیسی) ایمان می‌آورد، و(عيسی) روز قیامت بر آن‌ها گواه خواهد بود».

امام ابن کثیر می‌گوید:

مرجع ضمیر در این آیه به سوی عیسی÷ می‌باشد، یعنی هنگام نزول عیسی تمام کتاب به او ایمان می‌آورند، و جزیه را بر می‌دارد و جز اسلام، دین دیگری را از آن‌ها نمی‌پذیرد([[132]](#footnote-132)).

و خداوند در سوره‌ی زخرف می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ٦١﴾ [الزخرف: 61].

«و بی‌گمان او (= عیسی) نشانه‌ای برای قیامت است، پس هرگز در آن (= قیامت) شک نکنید، و از من پیروی کنید، (که) این راه راست است».

ابوهریرهس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، نزدیک است که عیسی بن مریم بعنوان حاکمی عدالت گستر، (از آسمان) فرو آید، آنگاه صلیب را می‌شکند، و خوک را می‌کشد، و جزیه را بر می‌دارد**»**([[133]](#footnote-133)).

و در حدیث دیگر رسول خداص می‌فرماید:

**«**چگونه خواهید بود، زمانی که عیسی پسر مریم در میان شما فرود آید، و امام شما از خودتان (یعنی حضرت مهدی) باشد**»**([[134]](#footnote-134)).

مدت اقامت حضرت عیسی÷:

در درباره‌ی مدت اقامت حضرت عیسی روایات مختلفی آمده، در برخی هفت سال، و در برخی چهل سال، ذکر شده است.

در صحیح مسلم آمده است:

 **«**آنگاه خداوند عیسی بن مریم را می‌فرستد... پس بمدت هفت سال میان مردم می‌ماند**»**([[135]](#footnote-135)).

و در روایات دیگر آمده:

 **«**حضرت عیسی چهل سال در زمین می‌ماند، سپس وفات می‌کند، و مسلمانان بر او نماز می‌خواند**»**([[136]](#footnote-136)).

از نظر ظاهر بین این دو روایت تعارض وجود دارد، اما در حقیقت تعارض نیست.

امام ابن کثیر می‌گوید:

روایات هفت سال، یعنی بعد از نزول از آسمان؛ هفت سال در زمین اقامت دارند، و روایاتی که بیشتر ذکر شده، مدت عمر ایشان قبل از رفتن به آسمان حساب شده است، چونکه در آنوقت 33 ساله بودند، پس مجموعاً چهل سال می‌شود. والله اعلم([[137]](#footnote-137)).

صفت و جایگاه نزول حضرت عیسی÷:

در حدیثی که نواس بن سمعان از رسول خداص روایت کرده است آمده:

 **«**آنگاه خداوند حضرت عیسی بن مریم را می‌فرستد، پس نزد مناره سفید در شرق دمشق، در حالی که دستانش را بر بال‌های دو فرشته گذاشته و دو لباس زرد رنگ برتن دارد فرود می‌آید...**»**([[138]](#footnote-138)).

امام ابن کثیر می‌نویسد:

مناره در شرق دمشق؛ در کنار جامع اموی قرار دارد، و هنگامی که می‌آید وقت نماز می‌باشد، و نماز اقامه شده، امام مسلمانان می‌گوید:

ای روح الله ! بفرماید نماز بخوانید.

 حضرت عیسی می‌فرماید:

 شما خودتان پیش امام باشید...

امام ابن کثیر می‌افزاید:

در سال 741 هجری مسلمانان آن مناره را با سنگ‌های سفید، با اموالی که از نصارا گرفته بودند، تجدید بنا و باز سازی کردند، و این خود یکی از معجزات آشکار رسول خداست، که خداوند چنین مقدر نمود، که بوسیله اموال خود نصارا؛ این مناره تجدید بنا گردد، تا عیسی÷ در کنار آن فرود آید، و خوک را بکشد، و صلیب (رمز نصارا) را بشکند، و از آنان جزیه نپذیرد، پس یا باید مسلمان شوند، و یا کشته گردند، و همچنین حکم باقی کفار اینگونه است([[139]](#footnote-139)).

وفات و مکان دفن حضرت عیسی÷:

ابو هریرهس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**... پس آنچه خدا بخواهد، عیسی خواهد ماند، سپس وفات می‌کند، و مسلمان بر او نماز می‌خوانند، و او را دفن می‌کنند**»**([[140]](#footnote-140))**.**

درباره جایگاه دفن ایشان؛ در برخی روایت آمده است که در مدینه وفات می‌کند، و کنار قبر رسول خداص دفن می‌گردد([[141]](#footnote-141)).

یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج انسان هستند، و از فرزندان حضرت آدم می‌باشند، آن‌ها بعد از نزول حضرت عیسی، و کشته شدن دجال، خارج می‌شوند، و در زمین فساد و تباهی می‌کنند.

خروج آنان قبل از قیامت نشانه‌ای از نشانه‌های قیامت است، و قرآن کریم و سنت رسول خداص بر خروج آنان دلالت دارد.

خداوند می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ٩٦ وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا ظَٰلِمِينَ٩٧﴾ [الأنبياء: 96-97]. «تا وقتی که (سد) یأجوج و مأجوج گشوده شود، و آن‌ها از هر (تبه و) بلندی شتابان سرازیر گردند. و وعده‌ی حق (= قیامت) نزدیک شود، پس در آن هنگام چشمهای کسانی که کافر شدند (از وحشت) خیره ماند (گویند:) ای وای برما که از این (واقعه) در غفلت بودیم، بلکه ما ستمکار بودیم!».

و در داستان ذی القرنین در سوره کهف آمده:

﴿ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا٩٢ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا٩٣ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا٩٤ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا٩٥ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ قِطۡرٗا٩٦ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا٩٧ قَالَ هَٰذَا رَحۡمَةٞ مِّن رَّبِّيۖ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَۖ وَكَانَ وَعۡدُ رَبِّي حَقّٗا٩٨ ۞وَتَرَكۡنَا بَعۡضَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ يَمُوجُ فِي بَعۡضٖۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعۡنَٰهُمۡ جَمۡعٗا٩٩﴾ [الكهف: 92-99]

«سپس (ذوالقرنین) از وسایل و اسباب استفاده کرد، و به سفر ادامه داد، تا به میان دو کوه رسید. و در کنار آن دو کوه مردمی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند.

آنان به او گفتند: ای ذی القرنین! یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می‌کنند، آیا هزینه‌ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آن‌ها سدّی بسازی؟

ذی القرنین گفت: آنچه پروردگارم در اختیار من قرار داده از قدرت و ثروت بهتر است از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید، پس مرا با نیرو یاری کنید، تا میان شما و آن‌ها سدّ محکمی بسازم.

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید، و روی هم بچینید تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را برابر کرد و پوشانید، گفت: در طرف آن آتش بیفروزید، و در آن بدمید، آن‌ها دمیدند.

تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت: اکنون مس ذوب شده برایم بیاورید، تا بر روی آن بریزم.

سر انجام سد محکمی ساخت، که آن‌ها (یأجوج و مأجوج) اصلا نتوانستند از آن بالا روند، و نتوانستند سوراخ و نقبی در آن ایجاد کنند.

آنگاه گفت: این از رحمت پروردگار من است، و تا خدا بخواهد پا بر جا می‌ماند، اما هنگامی که وعده‌ی پروردگارم را رسد، آن را درهم می‌کوبد، و وعده‌ی پروردگارم حق است».

در حدیثی که حذیفه بن اسید غفاری از رسول خداص در باره ده نشانی قبل از قیامت، روایت کرده، آمده:

 **«**... و خروج یأجوج و ماجوج...**»**([[142]](#footnote-142)).

ام المؤمنین زینب بنت جحش روایت می‌کند که: روزی رسول خداص خوف زده بر من وارد شد می‌فرمود: **«**لا إله إلا الله، وای بر عرب([[143]](#footnote-143)) از شری که نزدیک شده است، امروز بمانند این از سد یأجوج و مأجوج باز شده است. (و با دو انگشتان شست و شهاده اشاره کرد)».

زینب می‌گوید:

 عرض کردم: ای رسول خدا، آیا در حالی که صالحان در میان ما باشند باز هم هلاک می‌شویم؟

فرمود: **«**آری، هرگاه پلیدی زیاد شود**»**([[144]](#footnote-144)).

شکل و صورت آن‌ها:

طبق اوصافی که در احادیث درباره‌ی آنان آمده، شباهت زیادی به قوم مغول خواهند داشت، صورتی پهن، و چشم‌های کوچک، بینی کوتاه، موهای مایل به رنگ قرمز دارند([[145]](#footnote-145)).

یأجوج و ماجوج و سد ذوالقرنین:

ذوالقرنین پادشاه صالح، این سد عظیم را برای جلوگیری از فساد و تباهی یأجوج و مأجوج بنا کرد، و تا وقتی که خدا بخواهد آن سد عظیم باقی می‌ماند، اما درباره این پرسش که آن سد در کجاست؟

باید گفت: که هیچ کس بطور یقین نمی‌تواند بگوید، در کجا واقع است، هر چند که برخی از پادشاهان گذشته، و تاریخ نویسان کوشش کرده‌اند، که جایگاه آن را بیابند([[146]](#footnote-146)).

علامه محمد علی خالدی می‌نویسد:

جغرافیا نویسان عرب، مغولستان را بلاد یأجوج و مأجوج می‌نامیده‌اند، و بنابراین می‌توان احتمال داد که آن سدّ نزدیک مغولستان بوده باشد([[147]](#footnote-147)).

و از زمانی که ذوالقرنین آن سد را ساخته تاکنون آن‌ها پیوسته مشغول حفر آن هستند، در حدیثی که ابوهریرهس از رسول خداص روایت می‌کند آمده است:

**«**یأجوج و مأجوج ، هر روز آن سد را حفر می‌کنند، تا اینکه شعاع نور خورشید را می‌بینند، فرمانده آن‌ها می‌گوید: برگردید، فردا آن را حفر کنید، فردا که برمی‌گردند، می‌بینند که سد از اول محکمتر شده است، این کار ادامه دارد، تا اینکه وقت خروج آن‌ها فرا رسد، و خداوند خروج و آمدن آن‌ها را بخواهد، پس وقتی که حفر می‌کنند و نور خورشید را مشاهده می‌کنند، فرمانده می‌گوید:

امروز بر گردید، و فردا اگر خدا بخواهد حفر می‌کنید، بنابراین فردا می‌آیند، و سد را به همان وضعی که رها کرده بودند است، پس مشغول حفر باقی سد می‌شوند، و موفق به خروج از آنجا می‌شوند...**»**([[148]](#footnote-148)).

تعداد یأجوج و مأجوج:

تعداد آن‌ها خیلی زیاد است، درباره کثرت تعداد یأجوج و مأجوج حدیثی در کتاب صحیحین از ابو سعید خدریس روایت شده که:

رسول خداص فرمود:

**«**خداوند روز قیامت آدم را فرا می‌خواند، و می‌فرماید: گروه جهنمیان را جدا کن، آدم عرض می‌کند: گروه جهنمیان چه کسانی هستند؟

می‌فرماید: از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر، آنگاه است، که کودکان پیر می‌شوند، و زنان باردار سقط می‌کنند، و مردم را مانند افراد مست (و مدهوش) می‌بینی، در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خداوند سخت است**»**، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! کدام یک از ما آن یک نفر خواهد بود! فرمود:

**«**مژده بگیرید، که از شما یکی خواهد بود، و از قوم یأجوج و مأجوج هزار خواهد بود...**»**([[149]](#footnote-149)).

فساد و تبهکاری یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج قومی تبهکار هستند، و ذوالقرنین برای جلوگیری از فساد و تبهکاری آنان آن سد محکم و عظیم را ایجاد نمود.

در دنباله‌ی حدیث ابوهریرهس آمده:

**«**بر مردم خروج می‌کنند، تمام آب‌های شرب مردم را می‌نوشند، و مردم از ترس آنان در قلعه‌ها و پناهگاه‌ها پنهان می‌شوند، یأجوج و مأجوج تیرهای خود را به سوی آسمان نشانه می‌گیرند، آنگاه تیرهای آنان خون آلود بطرفشان بر می‌گردد، می‌گویند: ما بر اهل زمین و آسمان چیره و غالب شده‌ایم، آنگاه خداوند یک نوع کرم بر آن‌ها مسلط می‌نماید که بوسیله آن هلاک می‌شوند**».**

رسول خداص افزود: **«**قسم به ذاتی که جانم در دست اوست جانوران و جنبندگان زمین از خون و گوشت آن‌ها چاق و فربه می‌شوند**»**([[150]](#footnote-150)).

و ابو سعید خدریس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**یأجوج و مأجوج سد را باز می‌کنند، آنگاه از هر سو به مردم هجوم می‌آورند، همچنان‌که خداوند فرمود: **﴿**حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ٩٦**﴾** [الأنبياء: 96]**.**

به همه‌ی سرزمین‌ها حمله می‌کنند مردم از ترس آنان به پناهگاه‌ها پناه می‌برند، و تمام آب‌های روی زمین را می‌نوشند، بطوری که گروهی از آنان بر کنار نهری عبور می‌کنند، و تمام آب آن را می‌نوشند و آن را خشکیده رها می‌کنند، بعد از آن‌ها هرگاه گروهی از آنجا عبور کند، می‌گوید:

اینجا قبلاً آب بوده، و همه مردم در پناهگاه‌ها پنهان هستند، برخی از قوم یأجوج و مأجوج می‌گویند:

ما از تمام اهل زمین فارغ شده‌ایم، الآن اهل آسمان مانده‌اند.

آنگاه تیر و نیزهای خود را بسوی آسمان پرتاب می‌کنند، و برای ابتلا و آزمایش آنان خون آلود بطرفشان بر می‌گردد، آنگاه خداوند یک نوع کرم مانند ملخ می‌فرستد، که از گردن‌هایشان بیرون می‌آید، و بوسیله همان همگی هلاک می‌شوند، پس حرکت و صدای از آنان شنیده نمی‌شود.

آنگاه مسلمانان به یکدیگر می‌گویند: آیا کسی فدای است که برود ببیند دشمنان چه شدند؟!.

پس یکی از مسلمانان برای این کار داو‌طلب می‌شود و می‌رود، به این گمان که حتماً کشته خواهد شد، وقتی می‌رود می‌بیند که همه روی هم ریخته شده‌اند، و مرده‌اند.

با صدای بلند صدا می‌زند: ای مسلمانان! مژده دهید، خداوند دشمنان شما را نابود کرد، پس آنان از پناهگاه‌های خود بیرون می‌آیند، و گوسفندان و مواشی خود را به چرا می‌برند، آنگاه برای گوسفندان و چهارپایانشان؛ هیچ چیز بهتر از گوشت آنان نیست، و با گوشت یأجوج و مأجوج چاق و چله می‌شوند**»**([[151]](#footnote-151)).

هلاکت یأجوج و مأجوج

در صفحه گذشت ذکر شد که خداوند یک نوع کرم بر آنان مسلط می‌کند، و بر اثر آن هلاک می‌شوند، در روایات دیگر آمده:

**«**حضرت عیسی و یارانش در محاصره هستند، تا جای که یک سر گاو نر برایشان از صد دینار امروز شما، بیشتر ارزش دارد... بعد از هلاک یأجوج و مأجوج در سر تا سر زمین جای وجود ندارد، مگر اینکه اجساد آنان افتاده است، و همه جا از بوی متعفن آنان پر شده است، آنگاه عیسی بن مریم و یارانش به درگاه خدا دعا می‌کند.

پس خداوند پرندگانی همچون گردنهای شتر می‌فرستد که آن‌ها را بر می‌دارند، و هر جای که خدا بخواهد می‌اندازند.

آنگاه خداوند باران تندی را می‌فرستد و زمین را از آثار آنان پاک می‌کند، سپس به زمین امر می‌کند، گیاهانت را برویان، و برکت‌هایت را برگردان، پس در آن ایام گروهی از یک انار سیر می‌شوند، و در سایه گل و پوست آن می‌نشینند.

و خداوند در همه چیز برکت می‌دهد بطوری که یک شتر شیرده گروهی زیاد از مردم را کفایت می‌کند، و یک گاو شیرده برای یک قبیله کافی است، و شیر یک گوسفند شیرده، برای تعداد بیشماری کفایت می‌کند»([[152]](#footnote-152)).

خسوف سه‌گانه

خسف: یعنی فرو رفتن در زمین.

هر چند که خسف‌های مختلفی رخ داده است، چنان‌که ما در نشانه‌های کوچک قیامت ذکر کردیم، اما این سه خسف که از علامات بزرگ بشمار می‌آید هنوز بوقوع نپیوسته است:

در حدیثی که حذیفه بن أسیدس از رسول خداص درباره نشانه‌های دهگانه قیامت روایت کرده آمده است:

**«**... و ثلاثة خسوف، خسف بالمشرق، وخسف بالمغرب، وخسف بجزیرة العرب، سه خسف صورت می‌گیرد، خسفی در مشرق، و خسفی در مغرب و یک خسف دیگر در جزیرة العرب خواهد بود**»**([[153]](#footnote-153)).

ام سلمهل می‌گوید:

 از رسول خداص شنیدم که فرمود:

**«**بعد از من خسف (فرورفتن) در مشرق، و خسف در مغرب و در جزیرة العرب رخ خواهد داد**»** عرض کردم:

آیا در زمین خسف صورت می‌گیرد در حالی که افراد صالح میان ما وجود دارند؟.

 فرمود:

**«**هرگاه اهل زمین پلیدی و خباثت بسیاری مرتکب شوند**»**([[154]](#footnote-154)).

دود

یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت اینست که دود همه جا را فرا می‌گیرد، قرآن کریم و سنت رسول خداص بر این نشانی دلالت دارد:

خداوند می‌فرماید: ﴿فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ١٠ يَغۡشَى ٱلنَّاسَۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٞ١١﴾ [الدخان: 10-11]. «پس (ای پیامبر) منتظر روزی باش که آسمان دودی آشکار (پدید) آورد. که (تمام) مردم را فرا می‌گیرد، این عذابی دردناک است».

درباره این دود که در این آیه ذکر شده علماء دو نظریه دارند:

1. این دود همان حالت سختی و گرسنگی بود که برای قریش رخ داد، که از شدت گرسنگی در آسمان چیزی مانند دود مشاهده می‌کردند، صحابی جلیل عبدلله بن مسعودس و گروهی از علماء به این رأی قائل هستند([[155]](#footnote-155)).
2. این دود از نشانه‌های است که هنوز نیامده، و قبل از وقوع قیامت خواهد آمد، صحابی بزرگوار عبدالله بن عباسب و جمعی از تابعان و ائمه به این قول قائل هستند، و در احادیث صحیح ظاهر شدن دود یکی از علامات بزرگ قیامت بشمار آمده است([[156]](#footnote-156)).

امام ابن کثیر می‌گوید:

قول راجح اینست که از علامات بزرگ قیامت است، و هنوز آشکار نشده است([[157]](#footnote-157)) و امام نووی نیز به همین رأی قائل است([[158]](#footnote-158)).

در حدیثی که حذیفه درباره نشانه‌های بزرگ قیامت راویت کرده آمده: « ... و دود»([[159]](#footnote-159)).

ابوهریرهس از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**سه نشانی است که اگر آشکار شد، کسی که ایمان نیاورده، ایمان آوردنش بعد از آن‌ها، به او سودی نمی‌بخشد، طلوع خورشید از مغرب، و (ظاهرشدن) دود و (خروج) جنبنده زمین**»**([[160]](#footnote-160)).

طلوع خورشید از مغرب

یکی از علامات بزرگ قیامت طلوع خورشید از سمت مغرب می‌باشد، که بعد از آن توبه پذیرفته نمی‌شود، و ایمان آوردن سودی ندارد.

در قرآن کریم آمده است:

﴿يَوۡمَ يَأۡتِي بَعۡضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفۡسًا إِيمَٰنُهَا لَمۡ تَكُنۡ ءَامَنَتۡ مِن قَبۡلُ أَوۡ كَسَبَتۡ فِيٓ إِيمَٰنِهَا خَيۡرٗاۗ﴾ [الأنعام: 158]. «روزی که بعضی از آيات پروردگارت بيايد (و بر آن‌ها ظاهر شود)، ايمان آوردن افرادی که قبلاً ايمان نياورده‌اند، يا در ايمانشان (عمل) نيکی انجام نداده‌اند، سودی به حال آن‌ها نخواهد داشت».

بیشتر مفسرین می‌گویند: مراد از بعض آیات طلوع خورشید از سمت مغرب می‌باشد([[161]](#footnote-161)).

عبدالله بن عمرو العاصب از رسول خداص روایت می‌کند که فرمود:

**«**اولین نشانه‌های قیامت که ظاهر می‌گردد، طلوع آفتاب از مغرب، و خارج شدن جنبنده (دابه) در وقت ظهر است، و هر کدام پیش از دیگری بود، پس آن دیگری در پی آن نزدیک است**»**([[162]](#footnote-162)).

و ابو هریرهس روایت می‌کند: رسول خداص فرمود:

**«**قبل از آمدن شش (نشانی و علامت) به انجام دادن اعمال صالح مبادرت ورزید، طلوع خورشید از مغرب، دود، و دجال و ...**»**([[163]](#footnote-163)).

در حدیث دیگر رسول خداص می‌فرماید:

**«**قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانیکه خورشید از مغرب طلوع کند، پس هنگامی که طلوع کرد، و مردم آن را دیدند، همگی ایمان می‌آورند، و آن وقتی است که ایمان آوردن شخص سودمند نخواهد بود**»**([[164]](#footnote-164)).

و در حدیث حذیفه غفاری آمده: **«**... و طلوع خورشید از مغرب...**»**([[165]](#footnote-165)).

تا قبل از طلوع خورشید؛ دروازه توبه باز است، اما بعد از طلوع خورشید از سمت مغرب؛ دروازه توبه بسته می‌شود، و ایمان نیز پذیرفته نمی‌شود([[166]](#footnote-166)).

خروج جنبنده (دابه) از زمین

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿۞وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ٨٢﴾ [النمل: 82]. «و هنگامی که فرمان (عذاب) بر آن‌ها واقع شود (و حادثه قیامت نزدیک شود) جنبنده‌ای را از زمین برای آن‌ها بیرون می‌آوریم که با آن‌ها سخن گوید، که مردم به آیات ما یقین نمی‌آورند»

هنگامی که مردم تغییر می‌کنند، و غرق در معاصی و منکرات می‌شوند، و دین و احکام الهی را رها می‌کنند، خداوند جنبنده‌ای از زمین بیرون می‌آورد، که آن با مردم سخن می‌گوید([[167]](#footnote-167)).

در حدیث حذیفه آمده است: **«**...و جنبنده**»**([[168]](#footnote-168)).

و حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص، و همچنین حدیث ابوهریرهس درباره اینکه بعد از آمدن سه علامت ایمان پذیرفته نمی‌شود، و قبل از شش علامات برای انجام اعمال صالح مبادرت ورزید، در باب قبلی گذشت.

جنبنده (دابه) چیست؟

درباره این جنبنده علماء اقوال مختلفی دارند: برخی می‌گویند: بچه شتر حضرت صالح است. برخی گفته‌اند: جساسه است، که در حدیث تمیم داری، در داستان دجال ذکر شده است.

و برخی گفته‌اند که: همان ماری است که بر روی دیوار کعبه بود، هنگامی که قریش خواستند آن را تجدید بنا کنند و عقابی آمد، و آن مار را ربود.

و عده‌ای نیز گفته‌اند: آن جنبنده انسانی است که با اهل باطل و کفر مجادله و مناظره می‌کند([[169]](#footnote-169)).

آتشی که مردم را به محشر سوق می‌دهد

آخرین نشانه از نشانه‌های بزرگ قیامت، آتش عظیمی است که از سرزمین (عدن) یمن بیرون می‌شود، و مردم را بسوی سرزمین محشر سوق می‌دهد.

در حدیث حذیفه آمده است:

 **«**و آخرین آن‌ها آتشی است که از یمن بیرون می‌شود، و مردم را به سوی سرزمین محشر می‌راند**»**([[170]](#footnote-170)).

طبق روایاتی که از رسول خداص آمده است، سرزمین شام سرزمین محشر می‌باشد.

 رسول اللهص بسوی سرزمین شام اشاره کرد، و فرمود:

**«**اینجا حشر می‌شوید، اینجا حشر می‌شوید، اینجا حشر می‌شوید، سواره، پیاده و برچهرهای‌تان**»**([[171]](#footnote-171)).

بعد از ظهور آن نشانه‌های بزرگ، و دگرگون شدن نظام جهان، و از بین رفتن شریعت، و ویران شدن کعبه، و خراب شدن شهر مدینه، و وفات مؤمنان؛ قیامت ناگهان بر پا می‌شود.

و هنگامی که قیامت بر پا می‌شود، تنها اشرار و فاسقان باقی هستند، و قیامت بر آن بر پا می‌شود.

والحمد لله رب العالمین

|  |
| --- |
| راه نومیدی گرفتم رحمتم دل می‌دهد |
| کای گنه کاران هنوز امید عفو ست از کریم |
| گر بسوزانی خداوندا سزای فعل ماست |
| ور ببخشی رحمتت عامست و احسانت قدیم |
| گرچه شیطان رجیم از راه انصافم ببرد |
| همچنان امید عفو میدارم برحمن رحیم |
| آنکه جان بخشید و روزی داد و چندین لطف کرد |
| هم ببخشاید چو مشتی استخوان باشیم رمیم |

التماس دعای خیر

دکتر حسین تاجی گله داری

20جمادی اول 1427هـ

1. - صحیح بخاری (5815) وصحیح مسلم (2639). [↑](#footnote-ref-1)
2. - صحیح بخاری (50) و صحیح مسلم (10). [↑](#footnote-ref-2)
3. - امام بخاری (6502) و مسلم (2951) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. - به کتاب (الفتن) تألیف امام ابن کثیر رجوع شود. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح امام بخاری (4351). [↑](#footnote-ref-5)
6. - امام بخاری (6138) وامام مسلم (2950) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-6)
7. - امام بخاری (6139) وامام مسلم (2951) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - دولابی در «الکنی» (1/23) به سلسله احادیث صحیحه (808) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-8)
9. - کتاب التذکره في أحوال الموتی وأمور الآخرة (ص 522). [↑](#footnote-ref-9)
10. - صحیح بخاری (50) و صحیح مسلم (10). [↑](#footnote-ref-10)
11. - عوف این سخن را شاید بخاطر تنگی مکان پرسیده باشد، زیرا که پیامبرص در خیمه کوچکی بودند. [↑](#footnote-ref-11)
12. - حدیث صحیح است امام احمد (6/25) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - امام ترمذی در باب المناقب (3618) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. - امام بخاری روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-14)
15. - رجوع شود به: تاریخ طبری (ج 3/ فتح بیت المقدس) و معجم البلدان (1/170) و البدایة والنهایة (7/55). [↑](#footnote-ref-15)
16. - عمواس دهکده‌ای در سرزمین فلسطین است که تا رمله شش مایل فاصله دارد. معجم البلدان (4/1057). [↑](#footnote-ref-16)
17. - صحیح بخاری (3176). [↑](#footnote-ref-17)
18. - فتح الباری (6/278). [↑](#footnote-ref-18)
19. - صحیح بخاری (1348) و صحیح امام مسلم کتاب زکات شماره (1012). [↑](#footnote-ref-19)
20. - صحیح امام بخاری (1336) و صحیح امام مسلم کتاب زکات (157). [↑](#footnote-ref-20)
21. - صحیح امام مسلم کتاب فتن(2889). [↑](#footnote-ref-21)
22. - صحیح بخاری (6590) و صحیح مسلم کتاب فضائل (2296). [↑](#footnote-ref-22)
23. - صحیح بخاری کتاب مناقب (3400). [↑](#footnote-ref-23)
24. - به فتح الباری (13/89) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-24)
25. - حدیث صحیح است امام احمد (4/408) و ابو داود (4259 و4262) و ابن ماجه (3961) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-25)
26. - امام مسلم در کتاب الایمان (118) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-26)
27. - امام بخاری (1878) و امام مسلم(2885) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - شرح صحیح مسلم (18/8). [↑](#footnote-ref-28)
29. - مسند أحمد (6/393). [↑](#footnote-ref-29)
30. - امام بخاری (6704) و امام مسلم (157) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-30)
31. - فتح الباری (13/85). [↑](#footnote-ref-31)
32. - و رجوع شود به کتاب البدابة و النهایة (7/288). [↑](#footnote-ref-32)
33. - امام بخاری ( 6701) و امام مسلم ( 2902 ) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-33)
34. - التذکرة (ص 531). [↑](#footnote-ref-34)
35. - شرح صحیح مسلم (18/28). [↑](#footnote-ref-35)
36. - امام بخاری (3413) و امام مسلم (157) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-36)
37. - حدیث صحیح است، امام ابو داود (4252) و امام ترمزی (2176) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-37)
38. - امام بخاری (6131) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-38)
39. - امام بخاری (81) و امام مسلم (2671) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-39)
40. - امام بخاری (989) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-40)
41. - امام بخاری (100) و امام مسلم (2673) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-41)
42. - امام بخاری (1954) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-42)
43. - امام مسلم (2671). [↑](#footnote-ref-43)
44. - حدیث صحیح است، امام احمد (5/318) و ابن ماجه (2/1123) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-44)
45. - امام بخاری (1/178) و امام مسلم (16/221) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-45)
46. - امام بخاری ( 10/51 فتح الباری). [↑](#footnote-ref-46)
47. - امام مسلم ( 18/70 ) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-47)
48. - امام ابویعلی روایت کرده است و هیثمی در مجمع الزوائد (7/331) رجالش را رجال صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-48)
49. - حدیث صحیح است، امام احمد در مسند (3/134) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-49)
50. - سنن امام نسائی (2/32) و صحیح ابن خزیمه (2/282). [↑](#footnote-ref-50)
51. - صحیح الجامع الصغیر (599) علامه آلبانی اسنادش را حسن دانسته است. [↑](#footnote-ref-51)
52. - امام بخاری(50) و امام مسلم (10) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-52)
53. - کتاب الایمان (1/158). [↑](#footnote-ref-53)
54. - امام بخاری ( 50) و امام مسلم (1) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-54)
55. - به فتح الباری (1/122-123) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-55)
56. - صحیح مسلم (2888/18). [↑](#footnote-ref-56)
57. - امام مسلم (2908) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-57)
58. - حدیث صحیح است امام ابوداود (4252) و امام ترمذی (2176) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-58)
59. - امام مسلم (2907) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-59)
60. - امام بخاری (13/81 فتح الباری) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-60)
61. - حدیث صحیح است، امام ترمذي (2434 تحفه الاحوذی) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-61)
62. - فتح الباری (13/19). [↑](#footnote-ref-62)
63. - نگاه: فتح الباری (3/19) ومعالم سنن شرح سنن ابی داود (6/142) . [↑](#footnote-ref-63)
64. - به فتح الباری (13/19) و عقائد اسلامی سید سابق (ص 247) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-64)
65. - امام احمد (2/519) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-65)
66. - امام احمد (5/6) و ابوداود (4990) و ترمذی (2316) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-66)
67. - حدیث صحیح است ابن حبان (6718) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-67)
68. - امام احمد (1/407-408) روایت کرده است، سلسلة الأحادیث الصحیة شماره (647). [↑](#footnote-ref-68)
69. - امام نسائی (7/244). [↑](#footnote-ref-69)
70. - امام طبرانی روایت کرده است (مجمع الزوائد 7/327). [↑](#footnote-ref-70)
71. - فتح الباری (13/20). [↑](#footnote-ref-71)
72. - امام بخاری (7121) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-72)
73. - امام احمد (4/104) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-73)
74. - فتح الباری (13/93 ـ 94) . [↑](#footnote-ref-74)
75. - امام بخاری (7115) روایت کرده است.

برای شرح این حدیث به فتح الباری (13/81) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-75)
76. - امام مسلم در کتاب الفتن (157) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-76)
77. - مسند احمد (2/530). [↑](#footnote-ref-77)
78. - حدیث صحیح است امام احمد (2/262) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-78)
79. - امام احمد (3/140) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-79)
80. - امام مسلم (2904) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-80)
81. - امام احمد (2/218) و ابن ماجه (4060) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-81)
82. - امام ترمذی (2185) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-82)
83. - امام ابن ماجه ( 4059 ) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-83)
84. - مسند احمد (6/378). [↑](#footnote-ref-84)
85. - به فتح الباری (13/84) وعون المعبود (11/429) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-85)
86. - حدیث صحیح ابن ماجه (4020) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-86)
87. - مسند احمد (شماره 7083) تحقیق احمد شاکر. [↑](#footnote-ref-87)
88. - مجمع زوائد (7/327). [↑](#footnote-ref-88)
89. - مسند احمد (2/210 ) و مستدرک حاکم (4/435). [↑](#footnote-ref-89)
90. - صحیح بخاری (5231) و صحیح مسلم (2671) . [↑](#footnote-ref-90)
91. -(صحیح بخاری (1414) و صحیح مسلم (1012) و به فتح الباری (1/179) رجوع شود. [↑](#footnote-ref-91)
92. - طبرانی روایت کرده است (مجمع الزوائد 7/325). [↑](#footnote-ref-92)
93. - صحیح مسلم (2556). [↑](#footnote-ref-93)
94. - مسند احمد (2/263). [↑](#footnote-ref-94)
95. - مسند احمد (1/509) و حاکم در مستدرک (4/493). [↑](#footnote-ref-95)
96. - صحیح امام مسلم (157/2339). [↑](#footnote-ref-96)
97. - مسند احمد (3/83). [↑](#footnote-ref-97)
98. - صحیح مسلم (2894). [↑](#footnote-ref-98)
99. - صحیح بخاری (7119) و صحیح مسلم (7274). [↑](#footnote-ref-99)
100. - صحیح بخاری (7117) و صحیح مسلم (2910). [↑](#footnote-ref-100)
101. - فتح الباری (6/535) و تذکره قرطبی (530). [↑](#footnote-ref-101)
102. - صحیح مسلم (2911) و مسند احمد (2/435). [↑](#footnote-ref-102)
103. - فتح الباری (6/545) و تحفة الأحوذی (6/483). [↑](#footnote-ref-103)
104. - صحیح امام مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-104)
105. - حدیث صحیح است، امام احمد در مسند (2/288) و حاکم در مستدرک (4/520) و ابن أبی شیبه در مصنف (7/466)روایت کرده است . [↑](#footnote-ref-105)
106. - فتح الباری (13/77). [↑](#footnote-ref-106)
107. - صحیح امام مسلم (2941). [↑](#footnote-ref-107)
108. - فتح الباری (11/353). [↑](#footnote-ref-108)
109. - مصدر سابق. [↑](#footnote-ref-109)
110. - علامات یوم القیامة (از کتاب النهایة) (ص106). [↑](#footnote-ref-110)
111. - حدیث صحیح است، امام احمد (1/471) و ترمذی (2230) و ابوداوود (4282) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-111)
112. - ابو داوود (4282) و احمد (1/120) و بغوی در شرح السنه (7/457) روایت کرداند، در برخی الفاظ آن آمده «نام پدرش همانند نام پدر من است». [↑](#footnote-ref-112)
113. - حدیث صحیح است امام ابو داود (4283) و ابن حبان (6823) و حاکم (4/600) روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-113)
114. - اگر خدا توفیق دهد نویسنده گنهکار اراده دارد که احادیث و روایات وارده در این زمینه در کتابی جداگانه جمع آوری نماید. [↑](#footnote-ref-114)
115. - برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب استاد بزرگوارمان شیخ عبدالمحسن العباد- حفظه الله – بنام «عقيدة أهل السنة والأثر في المهدی المنتظر» رجوع نمائید. [↑](#footnote-ref-115)
116. - صحیح بخاری (798) وصحیح مسلم(587). [↑](#footnote-ref-116)
117. - صحیح مسلم (588). [↑](#footnote-ref-117)
118. - امام مسلم (809) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-118)
119. - حدیث صحیح است احمد (5/22) و بیهقی (3/339) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-119)
120. - صحیح مسلم (2934). [↑](#footnote-ref-120)
121. - صحیح بخاری (7131). [↑](#footnote-ref-121)
122. - صحیح مسلم (2933). [↑](#footnote-ref-122)
123. - به فتح الباری (13/105-104) و شرح صحیح مسلم (9/294) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-123)
124. - به صحیح مسلم (2942) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-124)
125. - سنن ترمذی (2237) و آلبانی آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-125)
126. - صحیح مسلم (2944) و مسند احمد (3/283 و 4/295).

و به فتح الباری (13/113) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-126)
127. - صحیح مسلم (2137). [↑](#footnote-ref-127)
128. - لد نام دهکده‌ای است، که در نزدیکی بیت المقدس قرار دارد.

(معجم البلدان 5/10). [↑](#footnote-ref-128)
129. - مسند احمد (3/367). [↑](#footnote-ref-129)
130. - صحیح مسلم (2137). [↑](#footnote-ref-130)
131. - به شرح عقیده طحاوی (ص565) تفسیر ابن کثیر (7/223) و تذکره قرطبی و التصریح بما تواتر فی نزول المسیح (محدث انور شاه کشمیری) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-131)
132. - تفسیر ابن کثیر(1/367). [↑](#footnote-ref-132)
133. - امام بخاری (3448) وامام مسلم (155) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-133)
134. - صحیح بخاری (3449) و صحیح مسلم (155). [↑](#footnote-ref-134)
135. - صحیح امام مسلم (2940). [↑](#footnote-ref-135)
136. - مسند احمد (2/535) و سنن ابو داود (4324).

و حافظ ابن حجر در فتح الباری (6/493) آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-136)
137. - علامات یوم القیامة (از کتاب النهایة) ( ص189). [↑](#footnote-ref-137)
138. - صحیح مسلم (2937). [↑](#footnote-ref-138)
139. - علامات یوم القیامة (النهایة) (ص188). [↑](#footnote-ref-139)
140. - مسند احمد (2/576) و سنن ابوداود (4324). و حدیث صحیح است. (سلسله احادیث صحیحه 2182) [↑](#footnote-ref-140)
141. - به کتاب «مدینه شهر پیامبر» بقلم نویسنده رجوع فرمائید. [↑](#footnote-ref-141)
142. - صحیح مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-142)
143. - حافظ ابن حجر در فتح الباری(13/109) می‌گوید: ذکر «عرب» در این حدیث بدین خاطر است که آن وقت بیشتر مسلمانان از عرب بود. [↑](#footnote-ref-143)
144. - صحیح بخاری (7135) و صحیح مسلم (2880). [↑](#footnote-ref-144)
145. - به علامات یوم القیامة (النهایة) (ص197) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-145)
146. - به تفسیر ابن کثیر (5/251) وأشراط الساعة (ص376) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-146)
147. - صفوة العرفان (3/513). [↑](#footnote-ref-147)
148. - حدیث صحیح است امام احمد (2/510) و ابن ماجه (4080) و ترمذی (3153) روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-148)
149. - صحیح بخاری (3348،6530) صحیح مسلم (222). [↑](#footnote-ref-149)
150. - حدیث صحیح است مسند احمد (2/510) و سنن ترمذی (3152) و سنن ابن ماجه (4080). [↑](#footnote-ref-150)
151. - مسند احمد (3/76) و سنن ابن ماجه (4079) و آلبانی آن را حسن دانسته است (سلسله صحیحه1793). [↑](#footnote-ref-151)
152. - صحیح مسلم (2937). [↑](#footnote-ref-152)
153. - صحیح مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-153)
154. - طبرانی روایت کرده است. (مجمع زوائد 8/11). [↑](#footnote-ref-154)
155. - به تفسیر طبری (25/114) و فتح الباری (8/511) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-155)
156. - فتح الباری (8/511،3/218) و تفسیر ابن کثیر (7/235) و شرح صحیح مسلم (9/256). [↑](#footnote-ref-156)
157. - علامات یوم القیامة (النهایة) (ص217). [↑](#footnote-ref-157)
158. - شرح صحیح مسلم (9/256). [↑](#footnote-ref-158)
159. - صحیح مسلم (158/249) و مسند احمد (2/588). [↑](#footnote-ref-159)
160. - صحیح مسلم (158). [↑](#footnote-ref-160)
161. - تفسیر ابن کثیر (3/366) و تفسیر طبری (8/96). [↑](#footnote-ref-161)
162. - صحیح مسلم (2941). [↑](#footnote-ref-162)
163. - صحیح مسلم (2947). [↑](#footnote-ref-163)
164. - صحیح بخاری (4636) و صحیح مسلم (157/248). [↑](#footnote-ref-164)
165. - صحیح مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-165)
166. - فتح الباری (11/354) و کتاب التذکرة (ص584). [↑](#footnote-ref-166)
167. - به تفسیر ابن کثیر (6/282) و تذکره قرطبی (ص578) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-167)
168. - صحیح مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-168)
169. - به کتاب تذکره قرطبی (ص 578) و تفسیر قرطبی (13/235) و أشراط الساعة (407) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-169)
170. - صحیح مسلم (2901). [↑](#footnote-ref-170)
171. - مسند احمد (4/446) . [↑](#footnote-ref-171)